

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي کارگری ایران

حاصل اتحاد تاريخی کارگران سنديگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۶ / سال ششم / اسفند ۱۳۹۵ / نشریه سنديگای کارگری ایران



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌ای



پیام سندیکا

ماهانامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ها

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از سراسر کشور ص ۱۱

دروود بر تروانه همیشگی سینمای ایران ص ۴۵

روزگار کارگران عسویه ص ۴۷

مصاحبه های کوشندگان کارگری ص ۴۸

خط فقر و دستمزد ص ۵۳

آنکه رفته ص ۵۴

کولبری شغل تحمیلی سرمایه داری تجاری ص ۵۶

تحلیل اقتصاد سیاسی لایحه اصلاح قانون کار ص ۵۸

سرمایه داری دلالی معنای دیگر کار آفرینی ص ۶۰

من یک کارگاهی هستم! ص ۶۲

گازیم عاشقی نین خاطره لری ص ۶۴

جنس سندیکایی و چهره های آن ص ۶۵

اتحاد و مبارزه شرط پیروزی است! ص ۷۰

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد! ص ۷۴

۸ مارس روز جهانی زن خجسته ص ۷۶

آگاهی زنان آگاهی نسل فردا ص ۷۹

پرواز با کاپیتان شمس ص ۸۱

لیلای کوهستان ص ۸۳

نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری خطاب به آقای خامنه ای

«ما خواهان پایان دادن به اذیت و آزار رضا شهابی هستیم!»

به: عالی جناب آیت‌اله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران

عالی جناب

بدین وسیله کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، به نمایندگی از ۱۸۱ میلیون عضو در ۱۶۲ کشور، نگرانی شدید خود را از اقدامات اخیر مقامات قضایی و امنیتی ایران در تحت فشار قرار دادن رضا شهابی برای بازگرداندن مجدد او به زندان، ابراز می دارد.

در حال حاضر رضا شهابی با گرو گذاشتن یک وثیقه در خارج از زندان است. جهت سپری کردن مدت باقی مانده از ۶ سال محکومیت اش (که به ادعای مقامات رسمی تنها ۳ ماه از آن باقی مانده) او هر لحظه در معرض خطر دستگیری و زندانی شدن قرار دارد. در عین حال ضامن شهابی هم تهدید شده است که چنان چه رضا شهابی خود را به زندان معرفی نکند، خانه مورد وثیقه توسط مقامات ضبط خواهد شد. در صورت بازگشت شهابی به زندان و به دلیل وضعیت جسمی بسیار وخیم و آسیب های جسمانی ای که از آن ها رنج می برد، سلامتی اش به خطر خواهد افتاد.

رضا شهابی عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران در ماه ژوئن ۲۰۱۰ در حالی که مشغول رانندگی اتوبوس بود دستگیر شده و پس از آن که در برابر چشمان همکارانش به شدت توسط مأموران مورد ضرب و شتم قرار می گیرد، به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل می شود. شهابی پس از متحمل شدن ۱۹ ماه حبس در سلول انفرادی، توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه شده به ۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی پس از خاتمه دوران زندان، و هم چنین پرداخت ۷ میلیون تومان جریمه نقدی

محکوم می شود. ستون فقرات و مهره های گردن رضا شهابی در اثر شکنجه و فشارهای جسمانی شدید دوران بازجویی دچار آسیب های شدید شده بطوری که دوبار تحت عمل جراحی قرار می گیرد. او پس از گذراندن ۵ سال زندان به توصیه پزشک زندان برای معالجه در خارج از زندان، به مرخصی استعلاجی می رود.

بازگشت رضا شهابی به زندان، که صرفاً به خاطر فعالیت های سندیکائی اش به ناحق محکوم شده بود، به معنای عدم رعایت قوانین بین المللی و زیر پا گذاشتن حقوق بشر است.

رضا شهابی نباید به زندان برگردد. ما خواهان پایان دادن به اذیت و آزار او و بازنگرداندن اش به زندان و آزادی فوری و بدون قید و شرط او هستیم.

ما هم چنین از مقامات دولت ایران می خواهیم که از سرکوب و آزار فعالان کارگری در ایران دست برداشته و کلیه اتهامات علیه دیگر اعضای سندیکای واحد از جمله ابراهیم مددی و دادود رضوی را پس بگیرند.

با احترامات فائقه

چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ - ۱۵ فوریه ۲۰۱۷

ژوا آنتونیو فلیسیو (رئیس)

شاران بورو (دبیرکل)

نامه به نخست وزیر سوئد

به نخست وزیر سوئد، آقای استفان لوفون

با خوش آمد به شما و هیات همراه تان، امیدواریم که روابط دو کشور ایران و سوئد بر راستای مصالح عالیه مردم و زحمتکشان دو کشور در دستیابی به صلح، ثبات و رفاه عمومی، و بر پایه صلح و احترام متقابل به استقلال و حاکمیت ملی گسترش بیشتری یابد.

آقای لوفون، مطمئناً اطلاع دارید که آنچه این روزها در جامعه کارگری ما می گذرد، و به ویژه شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی، در وجه قابل توجه ای، مستقیم و غیر مستقیم، نتیجه سیاست اعمال تحریم های اقتصادی و بانکی- مالی علیه ایران است که اتحادیه اروپا و آمریکا در سال های اخیر بر ایران تحمیل کرده اند. به دلیل ادامه غیرقابل توجیه این تحریم های برخی صنایع کشور با مشکل فعالیت و ادامه کار روبرو شده و این به نوبه خود اثرات مخربی در رابطه با اشتغال و امور معیشتی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان داشته است.

این تحریم ها که علاوه بر قطعات یدکی و مواد اولیه ضرور برای کارکرد صنایع، همچنین شامل مواد غذایی و دارویی نیز می گردد، که بطور مشخص حیات کاری و معیشتی زحمتکشان ایران را هدف گرفته و در حقیقت جنگی خاموش بر علیه خانواده های زحمتکش ایرانی است.

ما از شما می خواهیم که نه تنها در جهت لغو این تحریم ها از سوی کشور خود اقدام کنید، بلکه در اتحادیه اروپا نیز به طور فعال و موثر برای خاتمه این جنگ خاموش علیه زحمتکشان ایران به مقابله بر خیزید.

ما موفقیت شما را در این امر خطیر آرزو مندیم. با درود های گرم کارگری

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

فوریه ۲۰۱۷ (بهمن ماه ۱۳۹۵)

پشتیبانی از سندیکاهای دموکراتیک مستقل در ایران و به رسمیت شناختن حقوق کار شناخته شده بین‌المللی



من در مقام رییس «اتحادیه کارگران صنعتی و فلزکار سوئد» (IF Metall) ، در چند روز آینده همراه با یک هیات رسمی سوئدی به ریاست استقان لوفون نخست‌وزیر سوئد در ایران خواهم بود. نمایندگانی از کسب و کارهای سوئدی نیز این هیات را همراهی می‌کنند.

اتحادیه کارگران صنعتی و فلزکار یک سندیکای سراسری سوئدی است که ۳۲۰ هزار کارگریدی (بچه‌آبی) در بخش‌های فلزکاری، معدن‌کاری، شیمیایی، نساجی، و پوشاک را نمایندگی می‌کند.

هدف اصلی سفر ما به ایران بررسی امکان افزایش تماس مراوده و بازرگانی میان دو کشور است. بازرگانی میان کشورها نیرویی مهم و ضروری برای رشد اقتصادی، و بنابراین ابزاری مهم برای تقویت امنیت اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی است. شرکت‌های موفق، زمینه و شالوده بهبودی شرایط کارگران را نیز ایجاد می‌کنند.

هدف من، در ضمن، ارائه اطلاعات و آگاهی درباره اهمیت وجود بازار کاری با کارکرد خوب است که در آن سندیکاها و کارفرماها، به مثابه شریکان اجتماعی در بازار کار، حول منافع مشترک کارگران و شرکت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند.

در مقام نایب‌رییس سندیکای جهانی کارگران صنعتی، «سندیکای جهانی اینداستریال» (IndustriALL) ، باعث افتخار من بود که در ماه اکتبر ۲۰۱۶ پذیرای عضویت «سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران» (UMMI) در این سندیکای جهانی باشم.

مایلم پشتیبانی قاطع خود را از اهمیت کاری که سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و دیگر اتحادیه‌ها و سندیکاهای دموکراتیک مستقل در ایران به پیش می‌روند ابراز کنم. هدف فعالیت آنها، دفاع از منافع کارگران و ادای سهم در توسعه جامعه ایران و کسب‌وکارهای ایران است.

در این عرصه، دولت ایران در ایجاد شرایط برای چنان توسعه‌ای، نقشی اساسی به عهده دارد. تصویب و اجرای کنوانسیون‌های پایه‌ی و مرکزی سازمان جهانی کار (ILO) به رسمیت شناختن اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای دموکراتیک و مستقل، و آزاد کردن رهبران سندیکایی که به علت فعالیت‌های قانونی اتحادیه‌ی و سندیکایی بازداشت شده‌اند، می‌تواند زمینه ایجاد چنین شرایطی را فراهم کند.

علاوه بر آنچه گفته شد، اجرای قانون کار توسط دولت ایران و حمایت دولت ایران از همکاری میان شریکان اجتماعی در بازار کار و نیز در شرکت‌های جداگانه نیز حائز اهمیت است.

من در مقام صدر سندیکای کارگران صنعتی و فلزکار سوئد (IF Metall) و نایبریس سندیکای جهانی اینداستریال (IndustriALL) پشتیبانی خود را از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و همه اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای دموکراتیک مستقل در ایران ابراز می‌دارم. مبارزه شما در دفاع از منافع کارگران، در راه ترویج شرایط کاری شایسته در بازار کار ایران، و تلاش پیگیرانه شما به منظور برقراری مناسبات صنعتی با کارکرد خوب در بازار کار ایران، بسیار باارزش است.

با ابراز همبستگی، آندرس فربه

رییس اتحادیه کارگران صنعتی و فلزکار سوئد

(IF Metall) و نایبریس سندیکای جهانی اینداستریال

۱۱ فوریه ۲۰۱۷ (۲۳ بهمن ۱۳۹۵)

کار مزد ۹۶

Kmkoomk.wordpress.com

هر ساله در چنین زمان هایی چالش کار مزد کارگران ایران آغاز می شود. سه جانبه گرایی که برخی شوراهای اسلامی کار به آن چشم امید بسته اند در عمل به زیان کارگران است. زیرا در چنین نشست هایی یک جانبه ی این نشست ها که دولت باشد بی طرف نیست. جانب دولت با توجه به مشکلات سیاسی و اقتصادی بی پایانش که همیشه از حل آنها عاجز و ناتوان است با هدف انداختن بار مشکلات به دوش کارگران با کمک دور زدن اصل ۴۱ قانون کار و حذف اصل خود قانون کار، وارد این جمع می شود و به جای بی طرفی، سمت کارفرمایان و حامی آنها می شود. "کار آفرینان" هم که از کارفرماهای صنعتی نیستند و از ارزش نیروی کار اطلاعی ندارند و با اصول ابتدایی اقتصادی - صنعتی بیگانه اند لذا همه معیارهایشان همان کسب سود از هر "راهی" است. آنها هنوز مانند اجدادشان که یک پایشان در باورهای نظام برده داری گیر کرده بود می اندیشند و به این واقعیت نمی اندیشند که نیروی کار برای تجدید نیروی کارش برای امکان تداوم کارش، برخی نیازهای ابتدایی مانند تشکیل خانواده دارد تا نسل بعدی برده (کارگر) را برای آنها تدارک ببیند، به غذایی نیاز دارد که بتواند قوایش را تجدید کند و مسکنی که بتواند در زیر آن دمی تجدید قوا کند، به پوشاک و بهداشت و آموزش برای نسل بعدی کارگری نیاز دارد. حتا استعمارگران انگلیسی که در خوزستان کارگران ایران را وحشیانه استثمار می کردند عقل معاششان در این حد قد می داد از این رو کارگران تا پیش از بازنشستگی از یک مسکن سازمانی بهره می بردند که از آب و برق و خدمات دیگرش مجانی استفاده می کردند و کلی خوار و بار مجانی از آرد تا برنج ایرانی تا قند و چای و روغن در اختیارش می گذاشت تا کارگر بتواند قوایش را برای روزانه کار بعدی بدست بیاورد. ولی "کارآفرینان" آقای روحانی وزیر کارش با این واقعیت ها بیگانه اند. آنها نرخ تورم را "مهندسی" شده مطرح می کنند. یعنی تنها نرخ سال مورد بررسی را نسبت به سال پیش محاسبه می کنند و واقعیت تورم را که جمع تورم همه سالهای پیشین است به فراموشی می سپارند و آن را تک رقمی نشان می دانند و با این عملیات وارونه

کاری، کارگران را مات می‌کنند. از سوی دیگر روند گران شدن هرساله ی نرخ آب و برق و گاز را که در اختیارات دولت است وارد این محاسبات نمی‌کنند!!! واز همه بدتر نرخ تورمی که ناشی از بی ارزش شدن پول ایران در قبال ارز جهانی "دلار" است ندیده می‌گیرند. روندی که به شدت قدرت خرید کارگر را کاهش می‌دهد. با این ترفندها کارگران دولتی را گم راه می‌کنند و آنها را وادار به پذیرش حداقل دستمزدی می‌کنند که بسیار دورتر از واقعیت است. این "سه جانبه گرایی" نیست بلکه یک اتحاد بین دولتی‌هایی است که مدافع جبهه ی سرمایه داری است و مثنی سرمایه دار مالی یا به زبان بازار سنتی مثنی دلال بر علیه کارگرانی است که از وحشت اخراج از کار و . . . تن به دستورات این دو گروه متحد می‌دهند. حداقل دستمزد می‌باید، حداقل طبق قانون اساسی که آقایان از روی اجبار تظاهر به پیروی از آن می‌کنند محاسبه گردد. دیگر نه در زمان جنگ هستیم که کارگران دندان روی جگر بگذارند و بار سرمایه داران دولتی و خصوصی را به دوش بکشند و نه در زمان تحریم‌ها هستیم. دولت هم که در ظاهر با اقتصادی مقاومتی موافق است!! پس باید ریشه این ستم طبقاتی مضاعف که تعدیل ساختاری و خصوصی سازی است برداشته شود و کلیه مناطق آزاد تجاری - صنعتی شامل قانون کار گردند و حداقل حقوق با توجه به یک خانواده چهار نفره و حق مسکن و پوشاک و بهداشت و ضرورت آموزش و پرورش برای نسل آینده کارگری با این تورمی که بیش از ۷۰ درصد است محاسبه گردد. کارگران دولتی و شوراهای گوش به فرمانش هم باید تا قانونی شدن این روند و بی طرفی دولت و استفاده نکردن دولت از حق وتوی غیر قانونی ش هیچ توافقی را امضاء نکنند. این پیشنهاد کارگران اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران است، به همه کارگران ایران.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای کار ایران

سخن گو ناصر آقاجری ۲۴ بهمن ماه ۹۵

رضا شهابی با دستور مقامات به زندان بازگردانده می شود!

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با دستور مقامات طی روزهای آینده به زندان بازگردانده می شود. متعاقب تماس های مکرر دادستانی تهران با رضا شهابی برای مراجعت به زندان همچنین اخطار کتبی دادستانی به وثیقه گذار ایشان در مورد توقیف وثیقه، شنبه بیست و سوم بهمن، رضا شهابی به همراه وکیل، وثیقه گذار و همسرش و جمعی از اعضای سندیکا که در مقابل ساختمان حضور داشتند به دادستانی رفتند. شهابی و وکیل ایشان آقای ابوطالبی به حاجی مرادی معاون امنیتی دادستان مراجعه کردند که وکیل با شرح اوضاع و خیم جسمی شهابی، این خواسته را طرح کرد که شهابی نباید به زندان بازگردانده شود. ولیکن حاجی مرادی اعلام کرد با توجه به دستور و پیگیری دادستان، شهابی باید به زندان مراجعه کند و تنها در اینصورت است که سند وثیقه گذار مسترد خواهد شد.

وضعیت جسمی رضا شهابی به دلیل آزار و اذیت های دوران بازجویی و حبس و نیز دو عمل جراحی سنگین (کمر و گردن) همچنین عوارض ناشی از اعتصابات غذا، بحرانی است و مشکلات معیشتی و ممانعت از بازگشت بکار، شرایط بحرانی ایشان را تشدید کرده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازگرداندن مجدد رضا شهابی به زندان را محکوم می کند و خواهان پایان دادن به زندان و رفع تعقیب پلیسی، امنیتی، قضایی از ایشان و سایر اعضای سندیکا از جمله ابراهیم مددی نایب رییس و داود رضوی دیگر عضو هیات مدیره سندیکا و دیگر فعالین کارگری و صنفی می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۴ بهمن ۱۳۹۵

خرید ریل ملی از ذوب آهن چرا انجام نمی شود؟!

« مدیر عامل ذوب آهن آقای صادقی از عدم عملیاتی شدن قراردادهای مربوط به خرید ریل ملی خبر داد »

با توجه به اینکه ریل ملی توسط تلاش کارگران و متخصصان زحمتکش ذوب آهن تولید شده است و مدیران قبلی و فعلی راه آهن سراسری با ذوب آهن قرارداد خرید امضا کرده اند، اما مسوولین راه آهن کشوری در زمینه خرید تاکنون اقدامی نکرده و به جز تمجید از این حرکت ملی کار دیگری صورت نداده اند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران که صدای رسای کارگران پرتلاش ذوب آهن است از وزیر راه و وزیر صنایع و مسوولین راه آهن می خواهد به این پرسش پاسخ دهند که مشکل چیست؟ چرا با توجه به اینکه ماههاست این محصول تولید شده و حتا استاندارد های لازم را اخذ کرده است برای خریدش پیشقدم نمی شوند؟

ما می دانیم که تولید این محصول باعث اشتغالزایی کارگران و سود دهی ذوب آهن را فراهم خواهد آورد، و در ضمن دست دلالتان این عرصه را کوتاه خواهد نمود. تعلل در نبستن قرارداد در شرایطی که هم مترو و هم راه آهن سراسری به این ریل ها احتیاج دارد و در برنامه و بودجه سال آینده نیز جهت توسعه ریلی تاکید شده ، به چه معناست؟

در اواخر تابستان ۲ خرید هنگفت ریل از هند و کره جنوبی صورت گرفت که به هیچوجه توجیه خرید نداشت چرا که ذوب آهن اعلام کرده بود که ریل ملی در حال تولید است.

بی تردید چنانچه خرید ریل از خارج صورت گیرد ما این حق را برای صنعت کشور و کارگران و متخصصین زحمتکش و بالاتر از همه منافع ملی امان قایلیم که دست تمامی عناصر نفوذی دلال در این حرکت را افشا کنیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۸ بهمن ۱۳۹۵

کارگران پلاسکو را در تعاونی های تولیدی متشکل کنید!



با توجه به رویداد غمبار پلاسکو و بیکار شدن بیش از ۳۰۰۰ کارگر و قول های مسوولین برای بیمه بیکاری، می دانیم و می دانند که کارگاههای این مجتمع همگی زیر ده نفر بوده و از شمول تامین اجتماعی خارج هستند ، پس تعداد کسانی که شامل بیمه بیکاری خواهند شد بسیار اندک است.

لذا از وزیرکار و رییس سازمان تامین اجتماعی و اداره کل تعاون تهران می خواهیم که این کارگران در تعاونی های تولید متشکل شده و وام های کم بهره ای که به کارفرمایانشان داده می شود را به این کارگران هم داده تا هم امر تعاون در کشور بنابه اصل ۴۴ قانون اساسی رشدی کرده باشد و هم این کارگران برای خود ممر درآمدی داشته و موضوع بیمه های تامین اجتماعی آنان هم به نوعی حل شود تا در بیماری ها و پیری مشکل پیدا نکنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه

۲۵ دیماه ۱۳۹۵

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



۱- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه:



با توجه به صدمات روحی و جسمی که کار ممتد در روز و در ماه به نیروی کار پروژه‌های وارد می‌کند، نیروهای کار پروژه‌های انتظار دارند براساس قانون کار و مقاله نامه‌های بین‌المللی که ایران یکی از امضاءکنندگان آن است، کار پروژه‌های را به صورت دو هفته کار و دو هفته مرخصی (طرح اقماری) برنامه‌ریزی کنند بدون این که روی حقوق آن‌ها تاثیر منفی به جا بگذارد زیرا:

طی دو هفته، يك ماه ساعت کاری را انجام می‌دهند و حداقل ۱۶ ساعت بیشتر

کار به صورت اردوگاهی و دور از شهر و خانواده و اسکان در خوابگاه است

ساعت طولانی کار در روز، ۱۲ ساعت

۲- خبری از پالایشگاه و پتروشیمی بوشهر:



درود به تمام کارگران ایران زمین.....

صدای دادخواهی کارگران سرزمینمان تمامی ندارد؛ چرا که سیستم نابهنجار دلالی کار و چپاولگری همچنان بر سفره های زحمتکشان هجوم می برد و هیچگاه ملاحظه و انعطاف قابل توجهی به خرج نمی دهد و تمام هدف نهایی خود را در دو جهت بهره وری و سرکوب کارگران متمرکز کرده است ...

در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ در ابتدای ساعت کاری کارگران شرکت ساختمان و نصب پتروشیمی بوشهر سایت ۳ به دنبال ناکامی از تعهدات شرکت نسبت به پرداخت دستمزد کارگری شان به مدت ۴ ماه دست به اعتصاب زدند و خواسته های قانونی خود را مطرح کردند...

پرداخت نشدن بیمه آذر و دی و دیگر اینکه وضعیت خوراکی غیر بهداشتی نیز مورد بررسی و پرسش قرار گرفت ... در حین اعتصاب صورت گرفته که رییس حراست پا به میان نهاد و با تندی با کارگران برخورد نمود و اعتصاب کنندگان را نکوهش میکرد، کارگران نیز مجال ندادند و بر سر او ریختند و او را کتک کاری نمودند...

قابل توجه است که در طول این یک هفته اخیر بدلیل فشار ناشی از شرایط ناگوار کاری و حقوقی نیز سه مورد درگیری و زد و خورد بین کارگران بوجود آمده است که منجر به اخراج نیروهای درگیر کننده شده است و زمینه های تشنج و درگیری در آنان بوجود آمده بود که در نهایت خشم سرخورده خود را متوجه رییس حراست نمودند... همچنین در چند روز گذشته نیز به دلیل نشت لوله گاز سمی و خطرناک (هاش دو اس) در فاز پالایشگاهی ۴ و ۵ تعداد ۱۰ نفر از کارگران پالایشگاه و پتروشیمی بوشهر دچار خفگی و در نهایت بیهوش شدند

که با اقدام به موقع ایمنی و بهداشت و انتقال آنان به بیمارستان از مرگ رهایی یافتند....

با سپاس..(وارتان خرمین،سندیکای فلزکار مکانیک، ۱۳۹۵/۱۱/۱۴)

۳- اعتصاب موفقیت آمیز کارگران پتروشیمی سایت ۳ بوشهر

شما کارفرمایان و سران شرکتها تمام سود کارخانجات صنعتی را به جیب میزنید و ته مانده استخوانش را با اکراه تمام جلوی ما کارگران می اندازید...این سخن یکی از فعالین حقوق کارگری در هنگام اعتصاب روز ۱۳۹۵/۱۱/۱۷ می باشد.

کارگران پتروشیمی بوشهر که از تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ اعتصاب خود را به خاطر وضعیت نامناسب حقوقی و رفاهی شروع کردند توانستند با یکپارچگی همه گروههای پایپینگ، برق، ماشین آلات و سیویل کارفرما و بازرس اداره کار را به پای میز مذاکره بکشانند و تعهدات کتبی از رییس کارگاه و پتروشیمی بگیرند که حقوق کارگران توسط کارفرما پرداخت شود، تعطیلات عید برای کارگران محاسبه شود، و در صورت ماندن نیروهای اجرایی در روزهای عید بایستی دستمزد دو برابر محاسبه شود، حقوقها بیستم به بیستم هر ماه بدون اعتصاب و درگیری داده شود و در صورت پایبند نبودن آنان به هر کدام از مفاد پیمان نامه کارگران حق اعتصاب و اعتراض دارند.

در این پیمان نامه هیچ کدام از کارگران اعتصابی تسویه حساب و اخراج نخواهند شد، اگر پول کارگران در موعد مقرر پرداخت نشد شرکت مجبور است سود پول خوابانده شده را پرداخت نماید و به وضعیت رفاهی و بهداشت غذایی توجه بیشتری بنمایند.

کارگران هم وعده دادند که به سر کارهایشان برگردند.

کاملن پیداست که این حرکت موفقیت آمیز فقط در سایه اتحاد و یکپارچگی کارگران صورت گرفت. شعار کارگران چنین بود که سیستم سرمایه داری پشت همدیگر هستند و برای چپاول ما زحمتکشان تلاش میکنند و ما کارگران هم بایستی برای آرمانهای کارگرمیان پشت سر همدیگر باشیم. حرکت جالبتر این اعتصاب موفقیت آمیز همراهی سرپرستها و سوپروایزرها و جسارت آنان در کنار کارگران بود که این بزرگترین رمز پیروزی موفقیت آمیز این اعتصاب بود.

به امید گامهای پیشرو به سمت اقتصادی پویا برای ایران عزیزمان با سپاس.



۴- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب کارگران صنایع فولاد بندرعباس



امروز هم کار نکردیم. پیمانکار آمد و با قیافه ای طلبکارانه به کارگران گفت: بروید سر کار و اکنون پولی گیرتان نخواهد آمد و هر کسی کار نمی کند، برود برگه تسویه حساب بگیرد تا پولش گیرش بیاید.

کارگران از این جمله عصبانی شده با میلگرد به او حمله کردند و فرارایش دادند. کارگران در پاسخ گفتند که تسویه نمی کنیم و فقط دستمزدهای عقب مانده مان را میخواهیم.

با این وجود رؤسای شرکت و پیمانکاران در تلاش برای ایجاد اختلاف و چند دستگی بین کارگران هستند. وضعیت بسیار بدی است و کارگران فشار روانی و بی پولی و بی محلی را در قبال دستمزدهایشان تجربه می نمایند.

این گزارش یکی از کارگران شرکت مادکوش صنایع فولاد بندرعباس هست که از تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ تا کنون برای گرفتن دستمزد عقب افتاده کارگری خود به مدت چهار ماه دست به اعتصاب زدند و بر سر کارهایشان نشسته اند و هنوز هم به هیچ نتیجه دلخواه حقوقی خود نرسیده اند.

امید است صدای رسای کارگران سرزمینمان ایران باشیم و برای رسیدن به حقوق قانونی خود و هموعانمان تلاش نماییم...

(با سپاس، وارتان خرم‌دین عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۱۳۹۵/۱۱/۱۹)

۵- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی:



در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۱ کارکنان شرکت سدید پتروشیمی صدف پارس جنوبی عسویه در اعتراض به دیر کرد دستمزد ۵ ماهه خود تجمع و سرکار نشستند.

در این میان با تعهد کارفرما مبنی بر پرداخت هرچه سریعتر دستمزدها در پایان بهمن بعد از ظهر به سر کار رفتند.

همچنین صاحبان دستگاههای ماشین آلات و جرثقیل های شرکت پتروشیمی بوشهر نیز از دیروز تاکنون دستگاههای خود را خواباندند؛ چرا که از خرداد ماه تاکنون دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند.

بعد از ظهر امروز با وعده مبنی بر پرداخت پول تا آخر بهمن دستگاههایشان را روشن نمودند و به سر کار رفتند.

شرکتهای فاز ۱۳ پالایشگاهی کنگان هم دستمزدهای آبان ماه را هنوز هم پرداخت نکرده اند.

امید است فریاد دادخواهی کارگران سرزمینمان باشیم و برای رسیدن به حقوق از دست رفته آنها سندیکاهای کارگری را ایجاد کنیم تا در سنگر سندیکا به اجحافات پایان دهیم.

با سپاس... (وارتان خرمدين، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران
۱۳۹۵/۱۱/۲۱)

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه



۱- پس از چهار روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و حضور نیروهای انتظامی شوش و عقب نشینی کارفرما از موضع خود، کارگران بصورت مشروط بر سر کار خود حاضر شدند.

در این مدت بارها تولید شکر توسط کارگران متوقف شد.

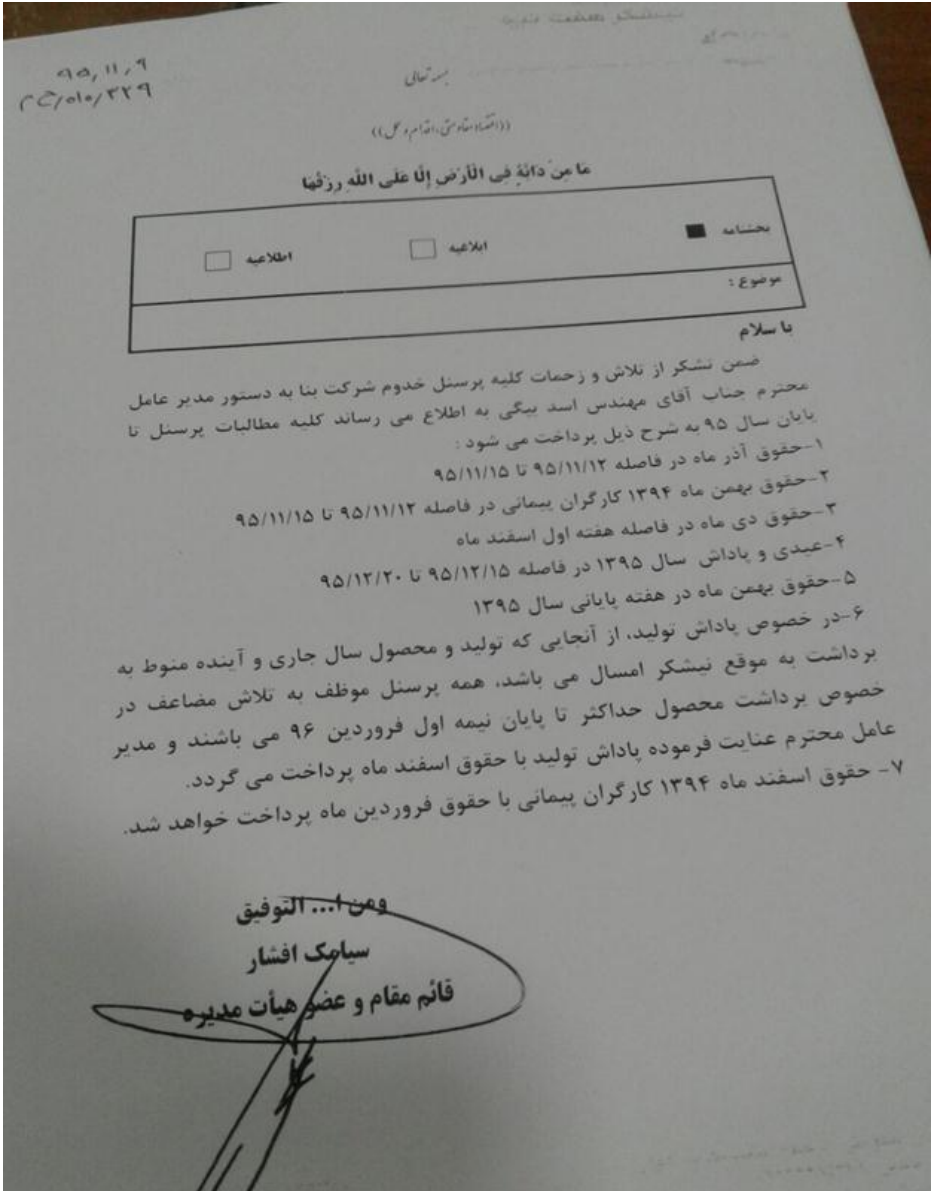
متأسفانه بدلیل واگذاری شرکت توسط سازمان خصوصی به بخش خصوصی که بدون رقیب و در یک مناقصه تشریفاتی به بخش خصوصی واگذار گردید هر روز شاهد اعتراض و تجمع کارکنان این واحد تولیدی هستیم.

پیگیری کارگران در مراجعه به مسوولین شهرستان، استان و حضور در سازمان خصوصی سازی، موفقیت آمیز نبوده و مسوولین این نهادها هیچ گونه اقدامی در رفع مشکلات پرسنل این شرکت نکرده اند. که خود نشان دهنده واگذاری شرکت به روش خصولتی و خودسوزی سازی به افراد بی لیاقت است. کارفرما می بایست در تاریخ ۱۵ بهمن ماه حدود ۲۰ میلیارد تومان بعنوان سنوات به بازنشسته های یک سال اخیر نی بران فصلی پرداخت نماید که هنوز حقوق آذر و دیماه و پاداش بهره برداری سال گذشته را پرداخت نکرده است.

سالهاست گفته میشود دولت شرکت را به عوامل خود واگذار کرده و خریداران واقعی شرکت کسانی دیگری هستند که بعنوان هیات مدیره سایه عمل میکنند.

به تازگی مدیریت نیشکر هفت تپه به مدیران و حراست ابلاغ کرده است که به هر ترتیب مانع اعتراض کارگران شوند در حالی که اگر کارفرمای خصوصی

به تعهدات مالی خود در برابر کارگران عمل کند دیگر نیازی نیست که تا برپایی اجتماعات صنفی را ممنوع اعلام کنند.



۲- اعتصاب گسترده در نیشکر هفت تپه:

صبح امروز ۱۶ بهمن ۹۵ حدود ۸۰۰ نفر از کارگران روزمزد؛ نی بران فصلی و کارگران بازنشسته دست به اعتصاب زده و پس از خاموش کردن آسیابهای کارخانه و بستن درب ورودی شرکت و بستن انبارهای تخلیه شکر تولیدی؛ وارد دفتر مدیریت کارخانه شده و مدیر کارخانه و رییس حسابداری شرکت را شدیدن کتک زده و اقدام به شکستن میز و صندلی دفتر کارخانه نمودند و سپس اقدام به حبس آنها در دفتر کردند. نیروی انتظامی نیز حضور داشت.

متأسفانه هیچ کدام از مسوولین شهرستان داستانی و نماینده شهرستان نسبت به حل مشکل موجود در یک سال اخیر که شرکت خصوصی شده است، نکردند و شرکت بدلیل ناتوانی مالکین جدید در پرداخت مطالبات کارگران حدود یکسال است به کانون اعتصابات کارگری تبدیل شده است.

کارگران خواهان برگشت شرکت به وضعیت دولتی هستند و از واگذاری شرکت شدیدن ناراحت هستند. کارگران اعلام کردند تا به مطالبات خود نرسند بصورت شبانه روزی به تحصن خود ادامه خواهند داد. هنوز حقوق بهمن و اسفند سال ۹۴ و آذر و بهمن ماه امسال روزمزدها که حدود ۱۵۰۰ نفر هستند پرداخت نشده است. کارگران رسمی نیز بصورت کامل حقوق آذر را دریافت نکردند و حقوق دیماه و پاداش بهره برداری سال قبل نیز پرداخت نشده است.

۳- گزارش تکمیلی از نیشکر هفت تپه:

در پی اعتصاب صبح امروز؛ عصر امروز به دلیل قفل کردن دربهای ورودی شرکت توسط نی بران شرکت، یگان ویژه شهرستان شوش جهت بازکردن دربهای ورودی وارد شرکت شد که به دلیل مقاومت کارگران نی بر نتوانستند

درب ورودی را باز کنند و کارگران نی بر اعلام کردند یا مرگ یا پاسخ دهی به مطالبات.

پس از مدتی کارفرمای شرکت مجبور شد به خواسته های کارگران نی بر تن داده و با صدور بخشنامه ای اعلام کردند که فردا دو ماه حقوق کارگران را واریز کرده و پاداش بهره برداری را نیز در هفته اول اسفند پرداخت میکنند. ضمن مبلغ ۱۰ میلیارد تومان معوقه بیمه حد فاصل سال ۶۸ الی ۹۲ آنها را که مصوبه مجلس در خصوص کارگران نی بر است را نیز در بهمن ماه نیز پرداخت خواهند کرد.

بعد از صدور بخشنامه کارگران اقدام به باز کردن دربهای ورودی شرکت نموده و کار ورود نیشکر به کارخانه و راه اندازی مجدد کارخانه شروع شد. ضمن فردا کارگران بازنشسته رسمی نیز برای حق سنوات خود تجمع خواهند نمود و این موضوع رابه اطلاع نماینده شهر و مسئولین رسانده اند.

خبرنگار پیام سندیکا ساعت ۱۰ شب ۱۶ بهمن ۱۳۹۵

۴- خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه

۱- بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران بازنشسته نی بر نتوانسته اند مطالبات بازنشستگی خود را از کارفرما دریافت کنند در عین حال تعداد زیادی از کارگران روزمزدی نیز حقوق بهمن و اسفند ماه سال گذشته (۱۳۹۴) خود را از کارفرما طلبکارند

۲- پاداش سال گذشته کارگران هنوز پرداخت نشده است.

کارفرمای هفت تپه تا پایان سال بیش از ۴۵ میلیارد تومان تعهدات مالی به کارگران دارد که باید پرداخت کند. چگونه معلوم نیست.

۳- پرداخت نشدن حق بیمه دوران بیکاری کارگران نیبر که در فاصله سالهای ۶۸ تا ۹۲ مشغول کار بوده‌اند از دیگر خواسته‌های کارگران نیشکر هفت‌تپه است.

۴- مهمترین خواسته کارگران باطل شدن فروش کارخانه به بخش خصوصی و واگذاری به دولت است.

این کارخانه یکی از بی نظیرترین کارخانه‌های خاورمیانه بوده و چنانچه مافیای مالی اجازه دهد شکر و مواد جانبی از جمله کمپوست و خوراک دام و کاغذ خاورمیانه را تامین خواهد کرد و تمامی بیکاران شوش و اهواز را به خود جذب خواهد کرد

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- مشکلات کارگران مدیریت نورد ذوب آهن

- ۱- درب رختکن خراب و نظافت آن انجام نمی‌شود
- ۲- وضعیت روشنایی مناسب نیست
- ۳- شیرآلات قسمت مشکل دارد و خرابند
- ۴- فن‌ها درست کار نکرده و خرابند

- ۵- چکه کردن سقف هنوز برطرف نشده و معلوم نیست کی این مشکل رفع خواهد شد
- ۶- سرویس بهداشتی خراب است و نیاز به تعمیر اساسی دارد
- ۷- رختکن کثیف و مدتهاست نقاشی نشده است

۲- مشکلات کارگران نیروگاه مرکزی نوب آهن

- ۱- استرس زا بودن اتاق کمپرسورهای کوره بلند
- ۲- سر و صدای زیاد که باعث آلودگی صوتی غیر مجاز گردیده، آلودگی هوای ناشی از کار کوره بلند و کک سازی
- ۳- کمبود نور، سوختگی بر اثر تماس با مسیرهای مخازن تحت فشار بخار آب
- ۴- حذف اضافه کاری کارگران به ویژه اضافه کاری مربوط به انجام وظیفه به جای هم شیفت
- ۵- نظرخواهی نکردن از کارگران و تکنسینها برای رفع بهینه سازی تجهیزات فعلی و حتا نصب تجهیزات جدید.
- ۶- بازنگری در سختی کار کارگران انجام نشده است
- ۷- کمبود ساختمان اداری تجهیز شده در نیروگاه به جهت دسترسی سریع به آرشیو اسناد و امور اداری
- ۸- کمبود نفرات متخصص و تعیین تکلیف کارگران قرارداد مستقیم
- ۹- لزوم تعیین چارت سازمانی تدارکات و انبارداری مجزا در نیروگاه

۱۰- تجهیز انبارداری پیشرفته و به کارگیری افراد با تجربه و متخصص این امور

۱۱- صرفه جویی در هزینه قطعات با انبار داری نوین انجام پذیر است و از خرید های بی مورد جلوگیری کرده و دستان دزدان را از این مجموعه کوتاه خواهد کرد.

۳- مشکلات زیست محیطی ذوب آهن:

با توجه به موضوع آلودگی های زیست محیطی در ذوب آهن و در خواست پی در پی کارکنان و کارگران برای زدودن این آلودگی ها که مستقیم با زندگی و سلامت کارگران و کارکنان ذوب آهن در ارتباط است، به تازه گی مدیریت قرار است موارد زیر را رفع کند:

۱- پروژه بازسازی و بهسازی تصفیه کئورتورها

۲- پروژه پنج گانه زیست محیطی آگومرسیون با نصب ۶ عدد الکترو فیلتر

۳- تصفیه پساب های صنعتی شرکت

۴- اصلاح مسیر فاضلاب های کارخانه

۵- نوسازی باتری های کک سازی

۶- نصب فیلترهای مکنده غبار در بخش های مختلف

۷- نصب سیستم پالایش آلاینده ها بر روی خروجی دودکش نوردها

۸- نصب و راه اندازی ایستگاه سنجش کیفیت هوا

۹- تعویض مشعل های آلوگوماشینها

۱۰- نوسازی برج های خاموش کننده

چه تعداد کارگران به دلیل این آلاینده ها بیمار و بدرود حیات گفته اند معلوم نیست. این یکی از سودجویی های است که در کارخانه ها با به خطر انداختن جان کارگران و عدم رعایت مورد بالا، در جهت کاهش هزینه ها سالهاست اجرایی گشته است.

۴- مشکلات کارگران و کارکنان نوب آهن:

۱- نگرانی از تمدید نشدن بیمه تکمیل درمان برای سال آینده

۲- سیستم بیمه ایران در چند روز گذشته در مراکز درمانی قطع بوده است

۳- قرارداد سالن بدنسازی تمدید نشده است

۴- تعداد وام های ضروری به کارگران و کارکنان در ماه چه تعداد است؟

۵- چه کسی مسوول به هدر رفتن آب در سرویس های بهداشتی کوره بلند شماره ۲ است؟

۶- کارگران در بخش های مختلف نوب آهن خواستار تغییر ساعت شیفت ۱۲ ساعته هستند.

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



ایران خودرو

۱- با توجه به کاستی هایی که در شرکت ایران خودرو نسبت به کارگران وجود دارد مانند اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل، نبود هیچ تشکل کارگری، دستمزدهای کم نسبت به کار ارایه شده و سود قابل توجه شرکت.....

شرکت ایران خودرو در راستای اهداف و برنامه های خود در رابطه با شان و جایگاه اجتماعی کارگران در بعضی زمینه ها اقدامات مثبت و در خور تقدیری انجام داده است.

یکی از این موارد را که می توان نام برد، بحث مربوط به اعتیاد به مواد مخدر بعضی از کارگران می باشد که اکثر شرکتهای، اقدام به اخراج کارگران دارای مشکل اعتیاد می کنند.

ولی با این حال، شرکت ایران خودرو ، کسانی را که مشکل اعتیاد دارند را نه تنها اخراج نکرده، بلکه آنها را با حفظ مدت قرارداد، به کمپهای ترک اعتیاد معرفی می کند تا بتوانند مبادرت به ترک کنند.

ما کارگران ایران خودرو بر خود لازم می داریم که از این حرکت بجا و شایسته ی شرکت در راستای حفظ کرامت انسانی کارگران، تشکر و قدردانی دانی کنیم.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که اخراج مستقیم کارگران معتاد، ممکن است عواقب و اثرات سوئی هم برای خود شخص و هم برای خانواده و نیز جامعه داشته باشد.

امیدواریم سایر شرکتهای نیز این حرکت انسانی را الگوی کار خود قرار دهند.

۲- روز پنجشنبه ۱۴ بهمن طی ابلاغیه ای از طرف شرکت ایران خودرو روز جمعه ۱۵ بهمن روز کار اعلام شد و از کارگران هر سه شیفت خواسته شد در محل کار حاضر شوند وگرنه غیبت محسوب می شود.

این اعلام که برخلاف تعهد مدیریت ایران خودرو مبنی بر روزکار اعلام نکردن تعطیلی ها بود و باعث می شد تغییر شیفت هم انجام نشود. این امر باعث شد تا فعالان کارگری شرکت ایران خودرو در برخورد با این دستور مدیریت اعلام کنند که از فردا اعتصاب غذا آغاز خواهد شد و کارگران به رستوران نخواهند رفت.

مدیریت چند ساعت بعد طی ابلاغیه جدیدی اضافه کاری روز جمعه را به دلیل آلودگی هوا منتفی اعلام کرد.

۳- آتش سوزی در سالن رنگ قدیم وانت ایران خودرو که در حال جمع آوری تجهیزات برای نوسازی سالن بود، با حضور به موقع آتش نشانان ایران خودرو و شرکت های همجوار کنترل و اطفاء شد .

سالن رنگ قدیم تندر با ایستگاه مرکزی آتش نشانی ایران خودرو کمتر از دویست متر فاصله داشت و به همین دلیل در کوتاه ترین زمان ممکن مهار و خاموش شد. این سالن در حال جمع آوری جهت نوسازی بود و چند نفر از کارگرانی که در آن مشغول به کار بودند، بلافاصله سالن را ترک کردند .

این حادثه هیچ گونه آسیب دیدگی در بر نداشته و به هیچ شخصی نیز صدمه ای نرسیده است.

۴- در ماههای اتی کارگران ایران خودرو منتظر اعلام پاداش ازدیاد تولید هستند. بنا به گفته فعالین این شرکت با توجه به افزایش سرعت خطوط تولیدی و پشت سر گذاشتن رکورد تولید سال قبل ، حداقل انتظار از مدیریت ایران خودرو پاداش یک میلیونی به کارگران شرکت می باشند. سال گذشته این پاداش ۶۵۰ هزار تومان بود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتراضات کارگران هپکو و واکنش صاحب کارخانه



کارخانه هپکو در سال ۱۳۵۳ با سرمایه گذاری بخش خصوصی و با هدف تولید ماشین آلات راهسازی و کشاورزی تاسیس گردید.

در سال ۱۳۵۴ تحت لیسانس شرکتهای اینترنشنال هاروستر آمریکا، پوکلین و لوکومو فرانسه، ساکایی ژاپن و داینپاک سوئد تولید ماشین آلات راهسازی آغاز کرد. این کارخانه در سال ۱۳۸۵ در پی سیاستهای خصوصی سازی رانتخوار، به بخش خصوصی واگذار گردید.

مدتهاست حقوق و مزایای کارگران در این کارخانه پرداخت نشده که موجب تجمع و اعتراض کارگران گردیده است. کارفرما هپکو مکلف شده‌م مطالبات کارگران شرکت هپکو را تا اسفند ماه پرداخت کند. همچنین بخشی از این

مطالبات قرار بود طی روزهای شنبه و یکشنبه این هفته به حساب کارگران واریز شود.

اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک، صاحب کارخانه را مجبور کرد که کارخانه ماسه ریخته گری خود را در فیروزکوه بفروشد تا مشکلات مالی کارخانه هپکو را تا چندی به تعویق بیاندازد!

صاحب کارخانه هپکو، صاحب صندوق نسوز کاوه و کارخانه واگن سازی و تمامیت هپکو و باغی به وسعت بیش از ۳۰۰ هکتار در حد فاصل اصفهان و شیراز است.

او هپکو را نیز با قیمت ۷۵ میلیارد خریداری نمود که ۵ میلیارد نقد و مابقی از سود کارخانه پرداخت شود. هپکو در اراک ۱۰۰ هکتار زمین و ده هکتار سالن و ۱۷۰۰ کارگر دارد

۳ درصد سهام متعلق به کارگران هست که دو سال اخیر سود سهام کارگران پرداخت نشده است.

دولت دستور داده است حدود ۴۵ میلیارد تومان از تسهیلات بانکی که از دی ماه از سوی ستاد تسهیل و رفع موانع تولید وزارت صنعت، معدن و تجارت برای هپکو در نظر گرفته شده بود هرچه سریعتر پرداخت شود تا این کارفرما از مضیقه مالی به در آید.

کارگران هپکو در ادامه در خصوص جدا شدن کارخانه از بخش خصوصی گفتند: تا زمان برطرف شدن مشکلات کارخانه، این واحد بمدت حداقل سه سال تحت نظارت مستقیم دولت قرار گیرد.

خصوصی سازی های بدون ضابطه و دادن صنعت کشور به دست افرادی که جز رانت تخصص دیگری ندارند، جز این نمی شود. این کارخانه در زمره کارخانه های بی نظیری است که می تواند رقیبی برای کارخانه های مشابه در خاورمیانه باشد. هپکو با موقعیتی منحصر بفرد توان تولید لکوموتیو را دارد.

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی



۱- مشکلات رانندگان فرودگاه امام خمینی:

با توجه به مشکلات کار تاکسی های سمند و آریو در فرودگاه امام خمینی، شرایط خودرو سمند با همان چالش قبلی روبرو گردیده و از گرفتن مسافر محروم شده اند و باید از چرخه مسافر گیری در آن فرودگاه خارج شود

یکی نیست به این مدیران دلال صفت بگوید: شما که بدنبال خودروهای لوکس خارجی از کشور ژاپن هستید ایرادی ندارد اما شما توانایی و مدیریت مدیران ژاپنی را هم دارید؟

آقای مدیر محترم که با برنامه ریزی دقیق!!! میخواهی برای خود از جیب رانندگان مبلمان دفترت را عوض کنی آیا بقیه مواردتان دارای استاندارد کافی میباشد؟

بعد گذشت ۱۲ سال یک نگاه به مسیر اتوبان قم به تهران بیندازید تمام مسیر کثیف و بوی متعفن که هر شب در این مسیر می آید. اگر خودروی داخلی شما بعد گذشت پنج سال هنوز استانداردهای لازم را ندارد این مقصر راننده است؟ آیا مدیریت بی لیاقت شما هنوز شما به این باور نرسیده که رانندگان شما که بیشترین وقت خود را در ترافیک وحشتناک تهران میگذرانند نیاز به آرامش

دارند؟ آیا فکرنکرده آید این ماشین های قراضه شده بعد از این همه سال کار چه بر سر سلامتی آنها می‌آورد و در آینده بیشتر زانوان آنها نیاز به جراحی پروتز و تخت بیمارستان و،،،،،،،،

ایا وظیفه شما فقط باید دلالی ماشین باشد؟ و ماشین های خارجی وارد کرده را با دو برابر قیمت به راننده تحمیل کنی؟ یا مسایل بالا هم به شما ربط دارد؟

۲- مشکلات رانندگان فرودگاه

باز هم بی کفایتی و رانت خواری دیگر. علیرغم بودن حدود دو هزار تاکسی مشغول فعالیت در فرودگاه مهرآباد که بدلایل مختلف و نبود مسافر و فعالیت مترو از مسافرینشان کاسته شده، متأسفانه با خبر شدیم یک شرکت پیمانکاری دیگر در فرودگاه امام اقدام به گشایش و افزودن راننده کرده است. در صورتی که نیاز به شرکت دیگری احساس نمیشد. نمی دانیم چه دستهای در کار است که با توجه به نزدیک بودن انتخابات قصد بدبین کردن جامعه را دارد. با این حرکت باعث از بین رفتن نان سفره رانندگان قدیمی گردیده اند.

۳- گزارشی از تجمع رانندگان تاکسی

از ساعت ۸ صبح تجمع اعتراض آمیز رانندگان فرودگاه در مقابل سازمان تاکسیرانی تهران شکل گرفته است و این دومین تجمع رانندگان در دوماه اخیر است.

مدتی است فرودگاه امام خمینی از پذیرفتن تاکسی های سمند و آریو خوداری کرده و اعلام نموده فقط تاکسی های تویوتا یا خودروهای پوره را برای سوار نمودن مسافرین فرودگاه می پذیرد و از راه دادن به خودروهای ایرانی معذور

است. سازمان تاکسیرانی که متولی تعویض و اجازه تردد تاکسی ها را به فرودگاه را می دهد و آخرین تعویض تاکسی ها را با خودرو اریو به رانندگان تحمیل کرده از حل کردن این مشکل رانندگان عاجز است. حال رانندگان مانده اند که چه کنند.

اگر قرار است که تاکسیرانی تشخیص تعویض خودرو را جهت سوار نمودن مسافران فرودگاهی را بدهد، پس مدیریت فرودگاه چکاره است که اجازه ورود تاکسی ها را به فرودگاه نمی دهد؟

بهانه جدید مدیریت فرودگاه این است که شرکت تعاونی رانندگان اجازه اش را به فرودگاه نداده و ما از راه دادن تاکسی ها به فرودگاه امام خوداری می کنیم.

متأسفانه اختلافات سازمان تاکسی رانی با شرکت تعاونی و این دو نهاد با مدیریت فرودگاه امام باعث بریده شدن نان رانندگان خودروهای سمند و اریو شده است.

این اختلافات ناشی از سیاست های مافیای واردات خودرو برای تحقق خواسته های خود به رانندگان بوده و از هر شیوه ای برای تحمیل خودروهای گران قیمت وارداتی به رانندگان استفاده می کند.

ساعت ۹ صبح ۲۰ بهمن ۱۳۹۵

۴- گزارش تکمیلی خبرنگار پیام سندیکا از تجمع رانندگان تاکسی

با توجه به بی پاسخ گذاشتن مشکلات رانندگان فرودگاه امام خمینی توسط مسولین این حوزه، این بار کوشندگان با تحسن در نمازخانه سازمان تاکسیرانی خواهان پاسخگویی شدند. در ابتدا اسماعیل بیگی یکی از معاونت های تاکسیرانی برای خاموش کردن اعتراضات به نمازخانه آمد که با

اعتراض رانندگان بیرون رفت. سپس انواری مشاور آقای مظفر رییس تاکسیرانی قدم به نمازخانه گذاشت که نتوانست پاسخگوی عملکرد مافیایی مظفر باشد و او هم با اعتراضات پی در پی رانندگان نمازخانه را ترک کرد. سپس کاظمی رییس شرکت تعاونی رانندگان برای سرهم کردن این تحصن برای رانندگان صحبت کرد که صحبتش با سوالات رانندگان در خصوص واگذاری ماشین های خارجی با قیمت گزاف و بخصوص شرکت های پیمانکاری که به استنمار رانندگان با تایید شرکت تعاونی مشغولند، روبرو شد.

کاظمی قول داد که رانندگان می توانند مانند گذشته به فعالیت خود در فرودگاه امام ادامه دهند و تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماشین های فرسوده این رانندگان تعویض خواهد شد.

سوال اینجاست که این تعویض با چه مبلغی به ضرر راننده صورت خواهد گرفت و یکی از مشکلات رانندگان همین تعویض های پر منفعت برای شرکت تعاونی و شرکت های مافیایی وارد کننده تاکسی است.

۵- مشکلات بیمه ای رانندگان تاکسی:

مدتهاست حق بیمه کسر شده سه ماهه از رانندگان تاکسی تهران اختلاس شده و هیچ کس هم به گردن نمی گیرد. در این میان تکلیف سه ماه حق بیمه پرداخت شده رانندگان تاکسی تهران با دخالت بی جای میثم مظفر مدیر عامل تاکسیرانی تهران معلوم نیست چه شد. این مبلغ در سابقه رانندگان وجود ندارد و در زمان بازنشستگی از آنان با جریمه و به نرخ روز دریافت خواهد شد.

اینکه چرا میثم مظفر مدیرعامل تاکسیرانی از اختلاس گران بیمه راننده ها حمایت می کند بر رانندگان معلوم نیست.



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از صفا دشت کرچ !

استثمار حداکثری

طی بازدید از یک کارگاه تولید سرب در منطقه صفادشت از توابع شهریار، با کارگاه تولیدی سرب مواجه شدیم که از امکانات بسیار کمی برخوردار به لحاظ ایمنی برخوردار بود.

کارگاه و محوطه پر از مواد اولیه بوده و کارگاه که سوله ای غیراستاندارد است، سقفی کوتاه دارد. تهویه هوا ندارد و یا معیوب است و کار نمی کند. قسمت بالای سقف کوره گردان را باز کرده اند تا قسمتی از گازها و دود حاصل از سوختن خارج شوند. با توجه به قشر ضخیمی از دوده های گازها بر روی زمین می شود پی برد که کارگران با گازهای سنگین طرف هستند و هر ثانیه این گازها به ریه آنان فرو می رود.

خوب می دانیم که فلز سرب فلزی است سمی که به پیوندهای عصبی آسیب می رساند و موجب بیماری های خونی و مغزی می شود. و با تماس طولانی با این گازها بیماری های کلیه و دردهای شکمی نیز افزوده می شود.

کارگرانی که در این کارگاه مشغول به کار هستند سه نفرند، افغانی مهاجر هستند و چون بدون پروانه کارند بیست و چهار ساعت در کارگاه به سر می‌برند و گاهی به نزدیک ترین محل که شریف آباد باشد برای خریدهای روزمره رفت آمد می‌کنند.

از لحاظ تجهیزات کارگاهی با کمبودهای فاحش مواجهه اند و از لحاظ کفش و لباس کار و ماکس و دستکش و... دیگر تجهیزات استاندارد، کارفرما بطور بی‌رحمانه ای مضایقه کرده است.

ساعت کار کارگران از ۳ بامداد است تا ۷ غروب بوده به عبارتی ۱۶ ساعت در روز می‌باشد. و چون از تعداد کارگران کم کرده به هر کارگر ماهانه یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان می‌دهد. قبلن در این کارگاه ۴ نفر کار می‌کردند که ماهانه به هر نفر یک میلیون تومان جمعاً چهار میلیون تومان پرداخت می‌شد. این کارگاهها که هیچ نظارتی بر آنان نیست با شیوه های وحشیانه از کارگران افغانی بهره گرفته پس از چند سالی که آنها گرفتار بیماری های گوناگون می شوند ، از کار اخراج می شوند.

دستمزد این کارگران در برابر درآمد حاصل از تولید آنان بسیار ناچیز است. و اینجاست که حداکثر سود را صاحب ابزار تولید یعنی صاحب کار به خود اختصاص می‌دهد. در این کارگاه با درآمدی بالغ بر ۱۴۰ میلیون مواجهه هستیم که در برابر هزینه ها و مواد اولیه کارگاه و از همه مهم تر دستمزد کارگران بسیار بالا است. با یک حساب سر انگشتی به درآمد کارگاه می‌شود گفت که مزدی برای تولید به کارگران پرداخت نمی‌گردد. حال سوال این است که کدام منطق می‌گوید که صاحب کار ، کارفرما ، ۱۴۰ میلیون درآمد داشته باشد و برای ۱۶ ساعت کار کارگر ۴ میلیون ۸۰۰ هزار تومان؟ و این نهایت استثماری است که جامعه بر کارگران حاکم کرده است و وزارت کار با بازدید نکردن از این کارگاههای مخفی، میدان را برای استثمار حداکثری مهیا نموده است.

اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

"به نام دادگر"



۱- آقایان پشت میز نشین فقط به فکر پر کردن شکمهایشان هستند

مدتی است که چند دانش آموز ابتدایی در خیابان نواب بعد از ایستگاه هلال احمر در کمین اتوبوسهای خط ۴ BRT می نشینند و پس از آمدن اتوبوس با پرتاب سنگ شیشه اتوبوسها را می شکنند و حتی بعضا باعث جراحت مسافران می شوند.

با در نظر گرفتن این نکته که مدیریت سامانه ۴ از رفع این مشکل عاجز است باید به این نکته هم توجه شود که چرا به رانندگان زحمت کش این خط اجبار می شود که باید متنی را امضا کنند که از این پس اگر اتوبوس شما به هر دلیلی متوقف باشد شخص راننده باید خسارت را پرداخت کند و با اجبار این امضا را از راننده ها می گیرند که این خود خلاف قانون و منطق می باشد.

۲- حق جذب کارکنان شرکت واحد و خیانت شورای اسلامی کار

کارگران و کارکنان زحمتکش شرکت واحد پس از مبارزه و اعتراض در خصوص پرداخت حق جذب به کارکنان شرکت با خبر شدند که شورای اسلامی کار دست به کار شده و با اعلام خبر پرداخت ۱۰ درصد حق جذب از تاریخ اول دیماه پس از مذاکره با مدیر عامل و کسب موافقت ایشان ، از این ماه حق جذب پرداخت می شود .

فریبکاری شورای اسلامی کار از چگونگی اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل و سرگرم کردن کارکنان با حق جذب که می بایست از اول فروردین به کارکنان پرداخت میشد و خیانتی دیگر از سوی شورای اسلامی کار است.

شوراهای فرمایشی در خدمت اهداف مدیر عامل بوده و با دور نگه داشتن کارکنان از حقوق واقعی خود از جمله مسکن و طبقه بندی مشاغل که بسیار با اهمیت میباشد خوش خدمتی خود را بار دیگر به آقای سنندجی ثابت نمودند .

۳- مدیران شرکت واحد پاسخ دهند!

با انتخابات شورا چه چیزی تغییر خواهد کرد؟ آیا با انتخاب نمایندگان شورا قرار است دستمزد کارگران را افزایش یابد؟ آیا قرار است حیف میل هایی که مدیریت و عواملش در شرکت واحد صورت می دهند ، پایان یابد؟ آیا قرار است همسان سازی حقوق ها در زیر مجموعه شهرداری را اجرایی کنند؟ یا اینکه قرار است چماقی باشند بر علیه کارگران آگاه و ماشین امضای اخراج همکاران خود؟

کارکنان آگاه سامانه یک مثل گذشته ثابت خواهند کرد که با هوشیاری و آگاهی تمامی نقشه های شومی را که مدیریت در سر می پروراند تا شورای فرمایشی را راه اندازی کند خنثا خواهند کرد.

همکاران آگاه !! شورای فرمایشی از سوی کارفرما به هیچ وجه در جهت منافع کارکنان نبوده و نخواهد بود ؛ آقای مدیر خوب است بدانید حتی اگر با سیاستهای زوری که به زیر دستانتان وارد می کنید هم شورا را برقرار کنید ، باز هم برنده این ماجرا کارکنان هستند ، کارکنان هوشیار و آگاهی که اگر فشارهای شما و عواملتان نباشد به هیچ وجه نمی توانید از آنها حتی یک رای هم کسب کنید.

بدانید و آگاه باشید که دیگر دوره فشار و رعب تمام شده ، امروز کارگر ، کارگر قدیم نیست !!

۴- مدیران شرکت واحد پاسخ دهند!

مجموعه اتفاقات و حوادث اتوبوسرانی داخل شهر ماحصل خصوصی سازی غیر اصولی و باند بازیهای مافیایی این مجموعه است که متأسفانه هیچ ارگانی تا بحال در مورد روند خصوصی سازی در شرکت واحد تحقیق و تفحص واقعی و جدی در این مورد نداشته و شورای شهر تهران نیز در این موارد کاملاً سکوت میکند و متأسفانه مسوولین شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همیشه کاسه چه کنم به دست گرفته و مدتی است از بازنشسته نمودن رانندگان به دلیل پرداخت نکردن ۴٪ بیمه مشاغل سخت و زیان آور شغل را خودداری میکند و شاغلینی را که قبلاً بازنشسته نموده اند طبق اظهار رانندگان بازنشسته شده، مبلغ سنواتی را که بایستی پرداخت کنند به این رانندگان و کارگران بازنشسته پرداخت نمی کنند. آقای مدیر لطفا پاسخگو باشید.

۵- مدیریت شرکت واحد به چه کار مشغول است و دغدغه های رانندگان و کارگران شرکت واحد چیست؟

تعداد ۲۰ دستگاه اتوبوس که قبل از این در خطوط شمالی شاغل بوده اند، طی یک حرکت نمایشی چند روزه که در روزنامه های رسمی آگهی مزایده ای انتشار یافت و به رانندگان و پرسنل شاغل (که برای خرید اموال مزایده ای دارای اولویت هستند) به هیچوجه اعلام نشد، بلکه به یکی از شرکتهای خصوصی که از رانت های اطلاعاتی برخوردارند، واگذار گردید و برخلاف ظاهر سالم و زیبایی اتوبوسها متأسفانه از نظر فنی دارای نقص های فنی و عدیده ای هستند.

متأسفانه با اصرار مدیریت رانندگان شاغل سامانه ۵ و با تهدید و زبان زور برای شاغل شدن با اتوبوس های دارای نقص فنی به خطوط اعزام شده و مشغول جابجایی مسافران در سطح شهر می شوند. ولی به هیچ وجه پس از حوادث ناشی از نقص فنی هیچیک از عوامل مسئولیت این حوادث را به عهده نمی گیرند.

چنانچه در حادثه های مختلفی که تا بحال پیش آمده مسئولیت را از خود ساقط نموده و همه ی عوامل دیگر را مقصر جلوه داده اند، غیر از مقصرین اصلی که همانا عوامل و نقص امکانات مدیریت می باشند.

این اتوبوسها برای راه اندازی سه خط پاسگاه نعمت آباد به شهرک ولیعصر_ یافت آباد و شادآباد میباشند که متأسفانه این اتوبوسها به هیچ وجه مناسب جابجایی مسافران در این خطوط نیستند و صرفاً در جهت سود طلبی مدیریت و عوامل مدیریت و خاصه خواران شرکتهای خصوصی انجام گرفته است. و تعجب انگیز اینکه این اموال به قیمتی در حدود ۲۰٪ قیمت واقعی واگذار میشود.

متأسفانه هیچ نظارتی بر روند خصوصی سازی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه وجود ندارد و تمام اموال دولتی که متعلق به مردم می باشد به ناحق در اختیار افراد و شرکتهای فاقد صلاحیت و مدیریت نالایق (در تصادف اتوبوس موسوم به اتوبوس مرگ، شریعتی_متروی چیتگر، که مدیریت شرکت واحد مسوولیتی در این مورد به عهده نگرفت) قرار گرفت و تمام تقصیر ها به گردن راننده گذاشته شد و...

فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد پیگیریهای لازم در این مورد را حق مسلم خود دانسته و ضمن هشدار به مسئولین شرکت واحد خواهان پایان دادن به این وضعیت می باشند.

۶- در عکس های زیر اوضاع شرکتهای خصوصی که مفت و مسلم اموال مردم (بیت المال ملت) را غیر قانونی غصب نمودند و تصاحب کردند می بینید.

این شرکتهای خصوصی که مدعی خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی هستند، می خواهند شرکت واحد را سودآور کنند!!!

این شرکتهای توانایی پرداخت مختصر حقوق رانندگان بخش خصوصی را نیز ندارند و در قبال اخذ سفته ۱۰ میلیون تومان بر روی اتوبوسهای مذکور حتی از پرداخت حقوق ۳.۵ الی ۴ میلیون تومانی که این رانندگان در خطوط شرکتهای خصوصی کار کرده اند خودداری کرده و به بهانه های مختلف تخلفات از جمله: عبور از ایستگاه بدون باز و بست کردن درب عقب اتوبوس و عدم ثبت ایستگاه، سرعت غیر مجاز بیش از ۵۰ کیلومتر در ساعت، خروج غیر هماهنگ شده از خط در ساعات پایانی کار و ورود دیرتر از ساعت مقرر به خط و... در نهایت تا ۱.۵ میلیون تومان بابت یکماه کارکرد رانندگان پرداخت نموده و در صورت اعتراض رانندگان، از ادامه کارکرد آنان ممانعت به عمل آورده و مانع کار آنان میشوند و چون از طرف وزارت کار یا ادارات

کار برای اشتغال به شرکتهای مذکور اعزام نشده اند بدون پرداخت هیچ حق و حقوقی از کار اخراج و در صورت اصرار راننده سفته های گروی را به اجرا خواهند گذارد.

این بخشی از سرگذشت شرکتهای خصوصی سامانه ۵ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است که (مشتی است نمونه خروار...)

حال شرکت واحد می خواهد این بی لیاقتی را با خصوصی کردن همه شرکت واحد به همه جا سرایت بدهد.



۷- دستمزد مناسب چیست؟

هر ساله در بهمن و اسفند موضوع افزایش دستمزد گفتگوی متداول کارگران ایران و شرکت واحد می شود. دولت معتقد است که تورم تک رقمی شده و بر حسب ماده ۴۱ قانون کار باید دستمزدها بر حسب تورم افزایش پیدا کند. اما به بخش آخر این ماده که می گوید این دستمزد باید یک خانواده ۴ نفری را اداره کند توجه نمی کند. آیا با ۹۰۰ هزار تومان یا حتی یک میلیون تومان می شود زندگی کرد؟ آیا با این مبلغ تصویب کنندگان خود می توانند ۱۰ روز زندگی کنند تا ما از آنها یاد گرفته و یک ماه زندگی کنیم؟

سندیکاهای کارگری معتقدند که از امروز باید موضوع دستمزدها را مطرح و کارگران را برای تعیین دستمزدی مناسب آگاه نمود. **افزایش دستمزد به معنای قدرت خرید بیشتر برای کارگران باید باشد.** در همین روند باید بر وزارت کار و نمایندگان به اصطلاح کارگری در شورای عالی دستمزد فشار آورد.

۸- **کارکنان سامانه یک**، در اعتراض به نحوه انتخابات در سامانه یک شکواییه را در ۶ بند تنظیم و تسلیم اداره کار نمودند که روز گذشته در همین کانال به نمایش گذاشته شد.

آقای هاشمی مدیر سامانه یک در پاسخ به کارکنان خطاب به اداره کار گفته اند که کارکنان این سامانه هیچ سمتی (حقی) ندارند که مدعی مخدوش بودن نحوه انتخابات باشد!؟

آقای مدیر لطفا پاسخ دهید که انتخابات شورای اسلامی کار نماینده کارکنان است یا شما؟ اگر نماینده کارکنان است پس این کارکنان هستند که محق به نظارت و کنکاش در مراحل رای گیری هستند.

اگر نمایندگان شما هستند پس دیگر چه لزومی به رای گیری از کارکنان دارید؟

هرچندما معتقدیم که این شورای فرمایشی در واقع انتصابات است نه انتخابات.

آقای مدیر فکر میکنیم که پاسخ ما را در خصوص بندهای ۳ و ۴ شکواییه دریافت نمودید ، حال برای بندهای ۱ و ۲ و ۵ و ۶ چه پاسخی دارید ؟ خب بر همگان واضح است که بهانه های شما دیگر کارساز نیست .

برابر قانون انتخابات شوراها ؛ همه کارکنان حق دارند از زمان شروع تا پایان انتخابات در پای صندوق حضور داشته و نظاره گر شمارش آرا باشند و نماینده اداره کار بایستی به شکایت کارکنان رسیدگی کند و برعکس در واقع این عوامل گوش به فرمان شما هستند که در زمان برگزاری انتخابات نباید حتی حضور داشته باشند!! منتظر پاسخ شما هستیم اگر پاسخی داشته باشید.

۹- مدیر کل اداره تعاون ، کار و رفاه اجتماعی استان تهران

با سلام

موضوع: شکایت نسبت به تخلف و تقلب در انتخابات شورای اسلامی کار سامانه یک

احتراما، اینجانب علی نوری شاد راننده اتوبوس سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مواردتخلف دررای گیری انتخابات نماینده کارکنان درهیات تشخیص صلاحیت رابه شرح ذیل به استحضار میرساند و درخواست رسیدگی دارد.

۱- اقدام به رای گیری بدون برگزاری مجمع عمومی کارکنان.

۲- به بهانه های غیرواقعی اخلاص در روند خدمات رسانی شرکت واحد، مجمع عمومی برگزار نگردید . با این وجود به معدود کارگران علاقه مند و

داوطلب که مستقل از مدیریت هستند اجازه داده نشد که در ساعات پس از پایان کار خود در محل اخذ رای حضور یابند و نظاره گر رای گیری و شمارش آراء باشند.

۳- با توجه به اینکه کارکنان شرکت واحد در سه شیفت صبح (عموما ۰۴:۳۰ الی ۱۳:۰۰) عصر (عموما ۱۳:۰۰ الی ۲۳:۰۰) شب (عموما ۲۰:۰۰ الی ۰۷:۰۰) اشتغال دارند بنابر این چنانچه رای گیری از ساعت ۱۱:۰۰ الی ۲۲:۰۰ صورت می گرفت امکان رای دادن برای همه کارکنان مهیا می بود. ولیکن بی جهت رای گیری از ساعت ۱۴:۰۰ آغاز و تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح فردای آنروز ادامه داشت. بنابر این با توجه به ساعات طولانی رای گیری تخلف و تقلب در انتخابات مذکور تشدید شد.

۴- عوامل مدیریت و حراست شرکت واحد کارکنان را با اجبار به محل اخذ رای برای رای گیری می فرستادند.

۵- رای کارکنان در هنگام نوشتن رای برای دیگران قابل رویت بود و محل مناسب برای اینکه رای دهنده رای خود را به دور از دیدگان دیگران بنویسد تدارک دیده نشده بود.

۶- تعرفه های اخذ رای فاقد شماره سریال بود و به همین دلیل امکان تقلب و رای گیری مذکور توسط عوامل مدیریت فراهم بود. و به دلیل اینکه تعرفه های رای فاقد شماره سریال بوده است حتی در صورت بازبینی آرا تقلب مدیریت شرکت واحد در رای گیری آشکار نخواهد شد.

۱۰- مدیریت سامانه یک در گرم کردن نمازخانه توقفگاه غرب عاجز است!

آقای مدیر چرا توقفگاههای شما با این تعداد بالای پرسنل و راننده اتاقی جهت استراحت و رزرو راننده ها ندارد؟ به ناچار راننده ها جهت گرم شدن در ساعت‌های اولیه صبح که خیلی هم سرد است و حتی بقیه ساعت‌های شبانه روز

به داخل نمازخانه پناه می برند که سیستم گرمایش این محل هم یا خراب است یا جوابگوی این هوای سرد نمی باشد.

بعضی از مسولین هم برای رضای خدا بخاری های گاز سوز اتاق خود را به داخل سالن نمازخانه منتقل کرده اند ولی به دلیل بزرگ بودن این سالن این بخاری ها هم از گرم کردن این مکان عاجزند .

آقایان مسول سلامت پرسنل بالاخص راننده ها در اولویت کار شما باید قرار گیرد ، اگر اتاق شما هم سرد باشد آیا حاضرید در آن محل بنشینید و کار کنید؟



درد بر ترانه همیشگی سینمای ایران



ترانه علیدوستی شرکت در مراسم اسکار را بخاطر دستور رییس جمهور جدید آمریکا برای ندادن ویزا به ایرانیان تحریم کرد.

در همین راستا اصغر فرهادی کارگردان صاحب نام سینمای ایران نیز که فیلمش در رقابت های اسکار پذیرفته شده است و میبایست به همراه ترانه علیدوستی و سایر بازیگران و همکاران روند تهیه فیلمش در مراسم اسکار شرکت می کرد، اعلام نمود در مراسم اسکار شرکت نخواهد کرد.

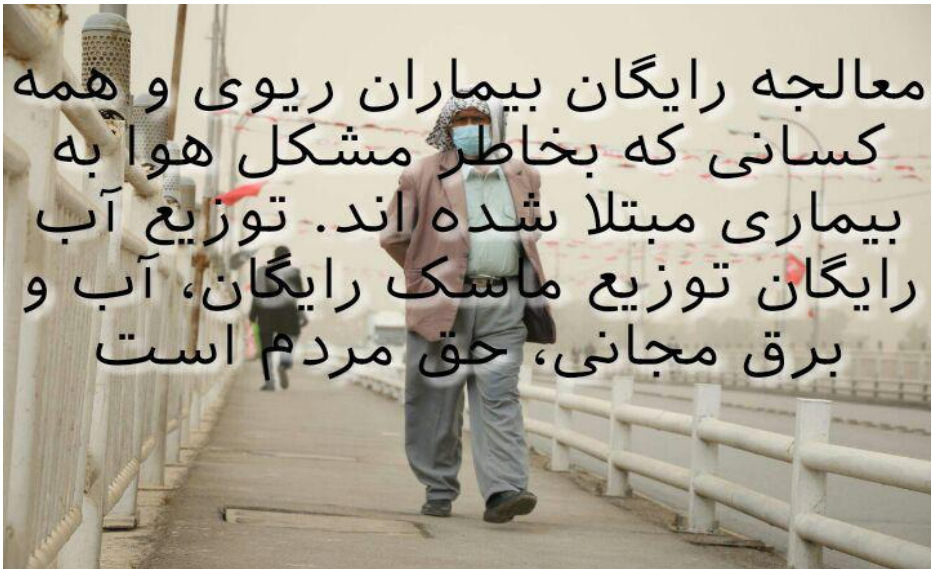
پیشگامی در راستای در نظر گرفتن منافع ملی و دفاع از حیثیت ایرانیان را به این دختر خوب سینمای ایران و کارگردان فهیم و صاحب سبک جهان سینما، مورد تحسین قرار داده و امیدواریم همه ایرانیان اعم از صاحبان قدرت و شهروندان ایرانی همیشه منافع ملی را در نظر داشته باشند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۲ بهمن ۱۳۹۵

خواستهای فوری مردم خوزستان:
 هوای سالم، شرایط سالم برای زیستن
 و برخورداری از آب سالم و به راه
 افتادن فوری برق شهر و تسهیلات لازم
 درمانی بخاطر آسیبهایی است که در اثر
 این وضعیت بحرانی پیدا کرده اند. در
 خوزستان بیکاری بیداد میکند. فقر بیداد
 میکند. مردم کار میخواهند. رفاه و شادی
 میخواهند. حرمت میخواهند. آزادی
 میخواهند و اینها خواسته‌های همه جامعه
 است. از اعتراضات مردم خوزستان
 وسیعا حمایت کنیم.

معالجه رایگان بیماران ریوی و همه
 کسانی که بخاطر مشکل هوا به
 بیماری مبتلا شده اند. توزیع آب
 رایگان توزیع ماسک رایگان، آب و
 برق مجانی، حق مردم است



روزگار کارگران عسلویه

سیم های خاردار، حرف اول و آخر رامی زنند شب دم کرده منطقه درکنار بوی تند اسیدها، بوی گس و تلخی را تجربه می کنند که قیمت گزافی دارد. دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر از گسترش اعتیاد در بین کارگران عسلویه خبر می دهد. نشاط، خانواده و لبخند واژه های فراموش شده این سرزمین است. پایان کار که شروع می شود زندگی تلخ و غریب متولد می شود که تلخ تر و گزنده تر از شب گذشته است. سیگارها یکی پس از دیگری دود می شود. اسکناس های سبز مرطوب انباشته شده در جیب آنها فقط خرج این نخ های آتشین می شود. اینجا همه چیز فرای تحمل کردن است. عسلویه!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!:

این سرزمین اینجا که ساخته شده از لوله های قطور و بناهایی که شکل شان هیچ تعریفی ندارد، سرزمین عجیبی است. کارگران در این برهوت از ۵۵۰ هزار تا ۹۰۰ هزار تومان پایه حقوقی شان است. رطوبت ۷۵ درجه و گرمایی که نفس کشیدن از سر آسودگی را از خاطره ها برده است، کار در این منطقه را به کار در يك منطقه سخت تبدیل کرده است. اما می گوید: «کار با همه حقوقش نمی ارزد. ماهی ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ هزار تومان درآمد لذت بخش است اما تو هستی و برهوت و تو همیشه عقده پول خرج کردن را با خودت این سو و آن سو می کشی.» دانش آموخته رشته برق است. ده روز بعد از گرفتن کارت پایان خدمت چمدان آرزو ها را بست و راهی شد تا دست پر برگردد و آینده اش را رنگارنگ بسازد. می گوید: «روز تعطیل معنی ندارد. اگر هم باشد آنقدر همه چیز تعطیل است که تو دلت برای کار کردن با آن شیوه غیرمعمول و غیرمرسوم تنگ می شود. آنجا هیچ کس حق اعتراض ندارد. کارفرما قدرت آخر است. اعتراض کنی آن سوی سیم خاردار را نشانت می دهند و می گویند به سلامت. می گویند آنقدر بیکار در این مملکت ریخته که هیچ چرخه از رفتن و قهر کردن تو باز نایستد.» راست هم می گوید هنوز نرخ بیکاری در این سرزمین آنقدر بالا است که افتتاح فازهای این میدان گازی و گرفتن هزار هزار کارگر هنوز نتوانسته نرخ بیکاری را تكَ رقی می کند. یازده درصد نرخ بیکاری در کشوری که می گویند روی ثروت خوابیده است.

دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو:

مذاکرات مزدی بدون اتحاد و همصدایی به جایی نمی‌رسد وضع معیشتی کارگران اسفناک است

تنها با اتحاد و همصدایی کارگران می‌توان مذاکرات مزدی را به نتیجه تا حدودی مطلوب رساند، وگرنه در شرایط فعلی به دولت و کارفرمایان هیچ امیدی نیست.

بهرام حسنی نژاد (فعال مستقل کارگری) در گفتگو با خبرنگار ایلنا در ارتباط با مذاکرات مزدی ۹۶ گفت: خواسته کارگران و دستمزد بگیر کاملاً روشن است؛ اگر آقایان ماده ۴۱ قانون کار را به دستی و بدون کم و کاست اجرا کنند که قطع یقین دارم این کار را نمی‌کنند، مشکلات حل می‌شود.

وی با بیان این که در سالهای پس از جنگ هیچ گاه دستمزد کارگران، عادلانه و براساس قانون افزایش نیافت، اذعان کرد: دولت‌های تعدیلی نه تنها قانون را در ارتباط با مساله دستمزد اجرا نکردند، بلکه با انواع بخشنامه‌ها و تبصره‌ها و آیین نامه‌ها از سر و ته حقوق کارگران زدند. دولتی که لایحه اصلاح قانون کار را به مجلس می‌فرستد و در پی قربانی کردن منافع کارگران در پای شرکت‌های بزرگ فرامی‌تواند، نمی‌توان خوشبین بود، دولتی که این اصلاحیه را می‌دهد از منافع کارگران دفاع نخواهد کرد؛ نمایندگان کارگری هم طبق روال سالهای گذشته، مشخص است که توان چانه زنی چندانی ندارند و با این حساب، اوضاع تغییر چندانی نخواهد کرد، مگر این که نمایندگان رسمی کارگران در ارتباط با بدنه باشند و با اتکا به پشتوانه قوی، پای میز مذاکره بروند.

حسنی نژاد در ادامه از اظهارات یکی از اعضای کارگری شورای عالی کار مبنی بر پرهیز از سخنان غیرکارشناسانه انتقاد کرد و افزود: این درست نیست که سر مهمترین مطالبه انباشته کارگران یعنی دستمزد، به کارگران گفت

ساکت بمانید؛ این نمایندگان در بحث سبد معاش و مذاکرات مزدی به جای دعوت به سکوت، باید پای حرف کارگران بنشینند، با فعالان سابقه دار و تشکل‌ها رایزنی و مشورت کنند و آنگاه با دست پر به سراغ شرکای اجتماعی بروند. تنها اتحاد و همصدایی، دولت و کارفرمایان را مجاب می‌کند که روال معمول حق‌کشی و اجحاف را خاتمه دهند و این اتحاد تنها از طریق یک بدنه متشکل، مستقل و قوی امکان‌پذیر است؛ تنها اگر دولت بداند که در صورت عدم افزایش عادلانه و قانونی دستمزد، سطح اعتراضات گسترده خواهد بود، به خواسته های قانونی دستمزدبگیران تمکین خواهد کرد. بحث دستمزد مهمترین مساله است؛ نه تنها برای کارگران بلکه برای همه طبقات دستمزدبگیر از قبیل معلمان و پرستاران اهمیت دارد و معاش جمعی قاطبه ملت متاثر از آن است؛ پس نمی‌توان از کنارش به سادگی گذشت یا به همین سادگی ساکت ماند.

سندیکاهای کارگری معتقدند که از امروز باید موضوع دستمزدها را مطرح و کارگران را آماده نبرد برای تعیین دستمزدی مناسب نمود. افزایش دستمزد به معنای قدرت خرید بیشتر برای کارگران باید باشد. در همین روند باید بر وزارت کار و نمایندگان به اصطلاح کارگری در شورای عالی دستمزد فشار آورد

ناصر آقاجری دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران:

سیاست‌های تعدیلی یعنی استقرار نظام برده‌داری فقط اتحاد کارگری چاره‌ساز است

کارگران باید متحدانه در مقابل دولت و کارفرمایان بایستند و خواستار اجرای دقیق ماده ۴۱ قانون کار شوند.

ناصر آقاجری در گفتگو با خبرنگار ایلنا؛ در ارتباط با مذاکرات مزدی ۹۶ گفت: نمایندگان کارگران در شورای عالی کار اگر واقعا می‌خواهند کاری سازنده انجام دهند، باید سیاست‌های دولت برای قیچی کردن منافع کارگران را به جد، زیر سوال ببرند. وی با بیان این که شاکله اصلی سیاست‌های تعدیلی دولت‌ها در بیش از دو دهه گذشته براساس حذف منافع کارگران شکل گرفته؛ افزود: سیاست‌های انقباضی دو دهه گذشته در پی استقرار نظام برده‌داری با هدف منتفع شدن دلالتان داخلی و بین‌المللی بوده‌است. حال تنها راه حل افزایش عادلانه دستمزدها، زمین گذاشتن این نوع سیاست‌ها و اجرای کامل ماده ۴۱ قانون کار به‌خصوص بند دوم آن یعنی محاسبه سبد معاش خانوارهای کارگری است. نکته مهم دیگر این است که نرخ تورم را بایستی به صورت پیوسته در طول دو دهه موردنظر قرار داد و نمی‌توان با لحاظ کردن نرخ تورم آنی یا مقطعی، از این شکاف عمیقی که بین شاخص‌های زندگی شایسته و مزدکارگران در بیش از دودهه گذشته به وجود آمده، چشم‌پوشی کرد.

آقاجری از تجربه مبارزاتی کارگران صنعت نفت در سالهای پیش از انقلاب اسلامی برای گرفتن امتیاز از شرکت نفت انگلیس و ایران، به‌عنوان یک تجربه موفق از اتحاد کارگران یاد کرد و گفت: گرچه قانون کار آن زمان نسبت به قانون کار فعلی، بسیار ناقص‌تر بود اما کارگران شرکت نفت با اتحاد

و همبستگی توانستند امتیازاتی از قبیل خانه سازمانی رایگان، وام‌های مسکن کم‌بهره، آذوقه ماهیانه و امکانات رفاهی و تفریحی از کارفرمای انگلیسی بگیرند.

وی ادامه داد: این تجربه نشان می‌دهد که تنها اتحاد کارگری می‌تواند برای رفع مشکلات فرودستان چاره‌ساز باشد؛ حال اگر نمایندگان کارگران در شورای عالی کار می‌خواهند حداقل بخشی از مطالبات کارگران را برآورده کنند بایستی ارتباط خود را با بدنه کارگری جامعه افزایش دهند، صدای همه فعالان را بشنوند و سپس با جلب اعتماد همه کارگران و با یک پشتوانه قوی سراغ دولت و کارفرمایان بروند و از منافع کارگران دفاع کنند.

آیا درآمدها کفاف هزینه زندگی را می‌دهند!

شکاف عمیقی بین درآمدها و هزینه‌های خانوارهایی که با اعلام نرخ ۱۲٫۲ درصدی بیکاری در کشور تکلیف‌شان را سخت‌تر کرده، افتاده، به این معنی که تعداد زیادی از خانواده‌های ایرانی تحت تکفل یک نان‌آور هستند. شکافی که در آخرین گزارش‌های مرکز آمار و بانک مرکزی حکایت از دستمزد ۸۰۰ هزار تومانی مشمولان قانون کار دارد. در واقع حالا که هزینه‌های ناخالص خانوارها حدود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان اعلام شده هیچ منطقی نمی‌تواند تکلیف زندگی ۱۳ و نیم میلیون نفر کارگری را که تنها منبع درآمدشان همین حقوق کارگری است، بسنجد، به طوری که حتی اگر افزایش ۱۴ درصدی مزد در سال جاری را نیز در نظر بگیریم باز هم به فاصله معناداری در مابه‌تفاوت حقوق ماهانه کارگران و افزایش هزینه‌های زندگی دست پیدا خواهیم کرد، چراکه این افزایش حقوق تنها ۱۲۰ هزار تومان به حقوق ماهانه کارگران افزوده است. اما براساس برآورد هزینه‌های زندگی در همین سال به هزینه‌های زندگی یک کارگر ۲۶۰ هزار تومان افزوده شده است.

خلیل آبادی کارگر پروژه ای

برنامه توسعه ششم و گذاشتن مالیات بر دوش کارگران

در برنامه ششم توسعه تأکید شده است که، اقتصاد کشور باید از وابستگی به درآمد "نفت" خارج شده و هزینه‌های کشور از محل وصول "مالیات"ها و سایر درآمدها تأمین شوند. اما چگونه؟

سندیکاهای کارگری می‌دانند که سرمایه‌گذاران خارجی از پرداخت هرگونه مالیات، بیمه، عوارض و جز این‌ها معافاند و در صورت هرگونه پرداختی از این‌دست، این پرداختی‌ها باید در بهای تمام‌شده سرمایه‌گذاری خارجی منظور شوند و سر آخر به سرمایه‌گذار خارجی پس داده شوند. پس، هدف وصول مالیات‌ها و دیگر عوارض دولتی وصول مالیات و عوارض از همان درآمدهای ناچیز کارگران، کارکنان دولتی، اصناف، پیشه‌وران، مشاغل و اشخاص حقیقی، صنایع، شرکت‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگی است که از دایره بدهستان‌های مافیای قدرت بیرون‌اند.

"پیش خدای خودم راضی هستم" !!!

این جمله از آن علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. او این جمله را در مورد دستمزد کارگران گفته است.

حداقل دستمزد ماهانه کارگران در ایران ۸۱۲ هزار تومان است و به گفته بسیاری از فعالان و تشکل‌های کارگری رسمی، کارگرانی هم هستند که پایین‌تر از این مبلغ دریافت می‌کنند.

خط فقر ۳/۵ میلیون تومان. آقای ربیعی سالهاست زحمتکشان ایران را به ۴ برابر زندگی زیر خط فقر محکوم کرده است. زحمتکشان او را هرگز نخواهند بخشید. بگذار او به جای خدایش به خودش رضایت نامه بدهد.

خط فقر و دستمزد

در سبدهی که مراکز آماری برای بررسی وضعیت نرخ تورم دارند ارقام لوکس مانند "هزینه مبلمان منازل و خرید خودرو" قرار می‌گیرد- اقلامی که هیچ حضور و نقشی در زندگی کارگران ندارند- خبرگزاری مهر، ۹ دی‌ماه، نوشت: "باوجود گزارش‌های دولت از کاهش نرخ تورم و قرار گرفتن این نرخ در آستانه تک رقمی شدن... قیمت برخی اقلام مهم مصرفی تا ۵۵ درصد هم رشد داشته است." با وصف اینکه یک سال پیش، خبرگزاری‌های مهر و ایلنا، ۱۷ دی‌ماه، به‌طورهمزمان "میانگین هزینه‌های یک خانواده ۴ نفره" را بالغ بر سه میلیون و چهارصد هزار تومان گزارش کرده بودند، خبرگزاری ایلنا، ۱۰ آذرماه، هزینه زندگی یک خانواده چهارنفره، یا به‌عبارت‌دیگر، خطفقر در کشورمان را "سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان" گزارش داد. بخش قابل‌توجهی از کارگران حداقل‌مزد ماهیانه ۷۱۲ هزار تومان و یا حتی کمتر از آن را دریافت می‌کنند. بنابراین، حتی با درنظر گرفتن سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در حکم خطفقر، حداقل‌مزد کنونی کارگران نمی‌تواند یک‌پنجم هزینه‌های ماهیانه یک خانواده کارگری را نیز تأمین کند. در چنین شرایطی، از هم‌اکنون کارفرمایان، وزارت کار و مجلس زمینه را برای تحمیل دستمزدی ظالمانه به طبقه کارگر کشورمان، و حتی "آزادسازی" مزد، آماده می‌کنند و نمایندگان به‌اصطلاح کارگری خانه کارگر مطابق معمول، عملکرد دولت را توجیه دارند.

سندیکاهای کارگری خواهان دستمزدی که بتوان یک خانواده ۴ نفره را تأمین کرد هستند. افزایش قدرت خرید کارگران اصلی‌ترین خواسته سندیکاهای کارگری است.

آنکه رفته



آنکه می خواست شبنم بفروشد به سحر

و بیوشد به تن لک لک ها خلعت،

آنکه می خواست بالش ها را

از پر آواز چلچله ها سیر کند،

آنکه می خواست از قطره آب

بسراید باران،

رفته اینک با لک لک ها

خفته اینک در باران

نقش بسته بر آب.

علی محمدنژاد ۱۸ ساله، شیرزاد عبدالهی ۲۷ ساله، هیوا ابراهیمی‌نیا ۲۲ ساله و محمد حمزمزاده ۲۱ ساله چهار کولبر سردشتی از میان ۱۶ کولبر گرفتار شده در ریزش بهمن در حوالی روستای «بیوران علیا» در ۱۰ کیلومتری شهر سردشت، جان باختند.

کشاورزان زحمتکشی که برای امرار معاش و بردن نان به خانه به این کار سخت و جان فرسا تن داده که در سیستم سرمایه داری به آنان قاچاقچی می گویند.

بی تردید آنان همسنگ اقلزاده ها و خانم زاده هایی که حق شان را از سفره انقلاب برداشته و این روزها در تدارک جشنش هستند، نبوده و نخواهند بود تا حقی داشته باشند.

آنان سهمی از ثروت نفت و گاز و معادن ندارند همچون دیگر برادران و خواهران زحمتکش شان در سراسر ایران.

جان باختن برادرانمان را به خانواده هایشان و مردم زحمتکش سردشت تسلیت می گوئیم و برای آینده ای بهتر با آنان هم پیمان هستیم.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۱ بهمن ۱۳۹۵



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
تاسیس ۱۳۳۹
نیت وزارت کار ۳۴
بازنشایی ۱۳۸۴

کولبری شغل تحمیلی سرمایه داری تجاری

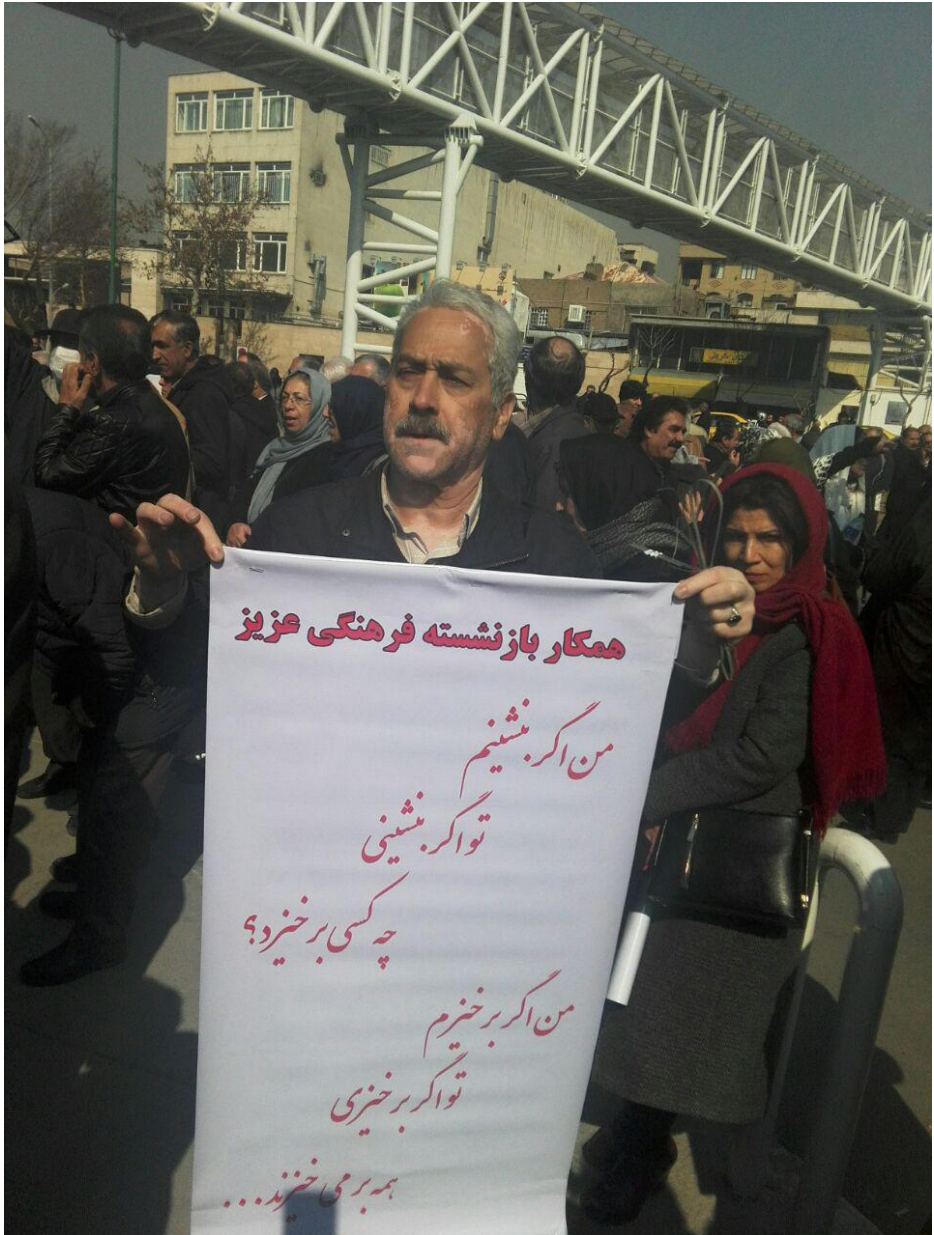
کولبری تعریف مورد توافقی کلی دارد: به عبارتی باربری در نقاط مرزی و این باربری چنان حاشیه‌هایش زمانبر و دردسرساز و هزینه پر بوده‌است که شغلی می‌نمایاند این ناشغل!!! تلاش برخی دوستان فعال در این حوزه در راستای چارچوب دار کردن و به رسمیت شناخته شدن آن به مثابه یک شغل جلوه‌گر می‌شود و پیگیری مباحثی همچون امنیت شغلی و حقوق کولبران و ساماندهی کولبران در چارچوب تعاونی‌های مرزنشینان و بالتبع بیمه و از این سری مسایل و نیز برخی دیگر که شلیک به کولبران و ضرر مادی به آنان را فریاد می‌زنند در نهایت می‌ماند این واقعیت که کولبری شغلی نیست که از موهبت مرز به این جویندگان نان در کوره راهها و میادین مین و خطرات همیشگی رسیده باشد بلکه شری است که از مرز مصنوع بشر و حاشیه نشین بودن و دور بودن از مرکز جغرافیایی و پیرامون بودن به نسبت محور و عدم توسعه و دهها دلیل دیگر گریبانگیر این انسانها شده است حاصل سومدیریت و عدم وجود زیرساختهای لازم جهت بهره بردن از فرصت تبادلات تجاری و بازرگانی در کسوت شغلی آبرومندانه!!!!

آیا حمل باری سنگین بر دوش انسانها از نوجوان تا پیر و یا زن و مرد در قرن بیست و یک برای کسب حداقل معیشت روزانه زیر پا نهاده شدن کرامت انسان نیست؟؟؟ حال بماند شلیک به آنها و کشته شدنشان و میدان مین و نقص عضو و خسارات مادی وووووو آیا وقت آن نیامده است هرکس و هر نهاد بنا به مسولیت ناشی از موقعیت و در حد توان و حیطةی وظایف خویش در پی یافتن راهکاری باشد؟؟؟؟!!!!!!!

بهاالدین صدیقی عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی

مریوان و سراوان

تجمع بیش از ۵۰۰ نفر از بازنشستگان مقابل مجلس



تحلیل اقتصاد سیاسی لایحه اصلاح قانون کارکه با مقاومت جنبش کارگری در سال ۹۵ بازپس گرفته شد

لایحه اصلاح قانون کارکه با مقاومت جنبش کارگری در سال ۹۵ بازپس گرفته شد و اظهارات رایج در محافل اقتصادی نئولیبرالیستی مبنی بر لزوم اصلاح قانون کار را می توان در پروسه گرایش فرماسیون اقتصادی-اجتماعی به سوی هر چه کالای تر شدن نیروی کار تبیین کرد و تحلیل اقتصاد سیاسی ذیل را به عنوان زیربنای تحولات آتی و مبنای درک پویای حقوق کار ایران در نظر گرفت :

در بحث موانع تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، رفع هر یک از این موانع در گرو رویارویی با گروه‌های ذینفع قدرتمند بسیاری است که منافع فراوانی را در این فرآیند از دست می‌دهند. اصلاحات اقتصادی در زمینه‌هایی چون بهبود روابط خارجی در صحنه مناسبات بین‌المللی، اصلاح نظام بانکی و پولی، تسریع فرآیند اداری راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی، هماهنگی مراکز قانون‌گذاری با یکدیگر، اصلاح سیاست‌های بازرگانی داخلی و خارجی، اصلاح نظام مالیاتی، بهبود نقش بازارهای مالی در تجهیز منابع و غیره جملگی در رفع موانع تولید خیلی مؤثرند. اما با منافع گروه‌های ذینفعی ناسازگاری دارند که از صدا و قدرت فراوانی در دفاع از موقعیت خویش و حفظ منافع انحصاری‌شان برخوردارند .

در این میان عمدتاً کارگران هستند که از تشکل‌های مستقل نیرومند برای مبادرت به عمل دسته‌جمعی و دفاع از منافع صنفی و طبقاتی خویش بی‌بهره‌اند. بنابراین تغییرات پیشنهادی تا اطلاع ثانوی به تضعیف بیش از پیش موازنه قدرت به نفع سرمایه و زیان نیروی‌کار خواهد انجامید. در این چارچوبه ی تحلیلی است که تهدید و فشار روی فعالین کارگری که مخالف اصلاحات نئولیبرالیستی در قانون کار هستند، قابل درک و تحلیل می‌شود.

اما از دید مدافعان حقوق جنبش کارگری، نقایصی قابل اصلاح به شرح زیر در تطابق سیستم حقوقی ایران با معیارهای حقوق بشری در روابط کار، در زمینه آزادی های سندیکایی و تشکل های کارگری وجود دارد:

۱- عدم رسمیت و شناسایی حق تأسیس تشکل ها مطابق با استانداردهای بین المللی؛

۲- عدم استقلال در فعالیت برای سازمان ها و تشکل های کارگری موجود؛

۳- نظارت و دخالت نهادهای دولتی و نقض استقلال تشکل ها؛

۴- تبعیض در استیفای حق مشارکت در تشکل ها؛ و

۵- فقدان مبنای قانونی در حقوق موضوعه آزادی سندیکایی برای تمامیت مزدبگیران جامعه.

به عنوان پرسش پایانی؛ اگر بپرسیم اصلی ترین خواسته ها و مطالبات فعالین جنبش کارگری ایران چیست؟

اعلام می کنیم: پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات کارگری، صنفی و مدنی و برداشته شدن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" از پرونده های مفتوح کارگران، فعالین صنفی زندانی و معلمان و کارگران معترض به دستمزد زیر خط فقر، برداشتن ممنوعیت برگزاری مستقل و آزادانه مراسم روز جهانی کارگر و معلم، برداشتن ممنوعیت و فشار برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و صنفی و... .

فرشید هکی حقوق دان

سرمایه داری دلالی معنای دیگر کار آفرینی

پرونده های دادخواهی مردمان کشورمان جواب داده نمی شوند و مردمان کشورمان همچنان در دالان های دادخواهیهای خویش گیر کرده اند و بدنبال راه چاره ای برای رسیدن به حقوق قانونی خود می باشند و سرگردان از اینکه چه راهی انتخاب نمایند همچنان در خود تنیده و فرو رفته اند...

در اوایل سال ۱۳۹۲ تبلیغات تلویزیونی در اخبار شبانگاهی و خبر بیست و سی و شبکه خبر در قالب ایده کارآفرینی شروع به تبلیغ مشارکت در طرح کود و کمپوست نمودند. مدیرعامل شرکت جناب داوود آلیا در چندین نوبت هم در صفحه تلویزیون ظاهر شد و به نوعی حمایتهای همه جانبه در رسانه ملی از او بعمل آمد. با توجه به اینکه پشتکار تبلیغات جناب آلیا از صدا و سیمای ملی بود او توانست با تبلیغات وسیع اعتماد مردم را جلب نماید و از آنان دعوت به مشارکت نماید و سرمایه های مردم را جذب نماید.

بسیاری از مردمان شهرهای خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد با او همگام شدند و به این امید که بتوانند در این اوضاع بیکاری و تورم زندگی اقتصادی خود را بهبود بخشند در این طرح اقدام به مشارکت نمودند که بعد از مدتی مردم متوجه شدند که این شرکت و اینهمه تبلیغات صدا و سیما فقط در جهت خالی کردن جیبهای مردم در تلاش بوده است.

پولهای مردم از دستشان رفت و آنان برای بازگرداندن اندوخته هایشان به دادگستری شکایت کردند. دادگستری استان خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد مدیر عاملین شرکت را دستگیر و زندانی کرد. پس از چندی آنها را با قید وثیقه آزاد نمود. در حال حاضر آنان هیچ تلاشی در جهت بازگرداندن سرمایه های مردم انجام نداده اند و هیچ خبری از آنان هم نیست. دادگستری هم جواب درستی به مردم نمی دهد و بارها به بیشتر طلبکاران با صراحت گفته است که

پولی گیرتان نخواهد آمد و ما فقط این افراد را به این دلیل دستگیر کرده ایم که ببینیم پول را در چه راهی خرج کرده اند

به طلبکاران بعد از سه سال شکایت کیفری میگویند که بروید و پرونده حقوقی تشکیل بدهید. لازم به ذکر است کسانی که شکایت حقوقی هم کرده اند و چک داشته اند و وکیل هم گرفته اند تاکنون هم به هیچ نتیجه قانونی نرسیده اند. البته گفته میشود که مدیران شرکت کمپوست خودشان پادوی فردی بنام شریفی هستند که به مقدار چهارصد میلیارد هم به همین بهانه از مردم سایر استانها دزدی و از کشور فرار کرده است.

حال مسئولین قضایی و صداوسیما چگونه میخواهند جوابگوی اعتماد مردم بزرگوار و کارگران باشند؛ مردمی که تمام سرمایه زندگی خود را که بیشترشان وام از بانکها گرفته بودند و هم اکنون بایستی بجای چنین اعتمادی قسطهای کمرشکن بدهند؟!

با سیاس.. وارتان خرمدين

نتیجه اجرای سیاستهای اقتصادی ویرانگر دیکته شده از سوی نهادهای امپریالیستی "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" جهت "آزادسازی" اقتصاد، ویرانی تولید ملی کشورمان و بیکاری میلیون ها تن از زحمتکشان بوده است. سرمایه داری لانه کرده در دولت علاوه بر دستیابی به منابع مالی کلان، یورش همزمان را به معیشت و حقوق کارگران به وسیله لایحه "اصلاح قانون کار"، چپاول اموال کارگران در سازمان تأمین اجتماعی در راستای خصوصی سازی بیمه ها، گسترش مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی" جهت حذف قانون کار به منظور تحمیل حالتی تدافعی به جنبش کارگری لازم می بیند.

من یک کارگاهی هستم!

سلام به تو هموطن، سلام به تویی که در شهر خود و در کنار خانواده ات هستی، سلام بر تو که بزرگ شدن فرزندان را می بینی، سلام بر تو که در کوچه و محله ات شناخته شده ای.

من یک کارگاهی (کارگر، تکنسین و یا مهندس) هستم همان که اکثر مردم می پندارند حقوقم از پارو بالا می رود و دغدغه ای در زندگی ندارم، پول خرد بچه ام میلیونی است و اعضای خانواده ام همه ماشین شخصی خودشان را دارند، همان که بدون آنکه کار خاصی انجام دهد کل بودجه مملکت و سهمی از حقوق دیگر کارمندان هر ماه به حساب او واریز می شود و...

من یک کارمند اقماری ام، اقماری یعنی در بهترین حالت دو هفته در کنار خانواده و دوهفته سرکار باشی ولی همه ما اینگونه نیستیم. برخی دوهفته سرکار و یک هفته استراحت و برخی سه هفته کار و یک هفته استراحت دارند. از این مدت استراحت، زمان ایاب و ذهاب را کم کن، چه رفت و آمدی، آواز دهل از دور خوش است. کارکرد در مناطق دوردست و کیلومتر ها دور از ساحل. آیا حوصله تان می آید هر ماه از یک شهر کوچک، خودت را با ماشین کرایه ای برسانی به شهری دارای فرودگاه یا ایستگاه قطار، بعد بروی به مقاصد پروژه ها بعد تا صبح در آنجا بخوابی روی نیمکت های فرودگاه و راه آهن در سرما و گرما، تا صبح زود به پرواز برسی، آنگاه که به کارگاهت رسیدی، بدون استراحت مستقیماً به محل کارتکراری و یکنواخت، زحمت حالا اگر شرایط هوای منطقه (این قسمت را می دانم خیلی از خوانندگان هرگز تصور تجربه اش هم در ذهنشان نمی آید). حال سی روز در یک فضای محدود، با یاران و همراهانی همیشگی در رطوبت صددرصد و دمای بالاتر از ۵۴ درجه. این قصه دو هفته و چند ماه نیست.

قصه چند سال است از بهترین دوران عمر.

سال هایی که می توانستی در کنار همسر جوانت باشی، سالهایی که بجای حرفهای شیرین رو در رو، باید با تلفن به سخنان بغض آلود همسرت گوش دهی که از مصائبش در گذران زندگی، در خریدها، در سر و کله زدن با همسایه ها و... می گوید. گاه دلت می سوزد، گاه غیرتت می جوشد، کمتر می خندی و گاه همراه او اشک می ریزی. همه هم درد هم را می دانند. همه، بارها صدا بلند شدن های یکدیگر را در صحبت های پشت تلفن

شنیده اند. مگر این دیوارهای نازک بین اتاقها چقدر جلوی صوت و صدا را می گیرد. اینجا کم کم شبیه هم می شویم!

چهره های شکسته، موهای زود سپید شده و اغلب ریخته، معده های خراب و اعصاب های....

چقدر باید ببینی یکی با چشمان اشکبار آمده و تقاضای رفتن دارد: « بچه ام تصادف کرده، مادرم سخته کرده، پدرم فوت کرده، همسرم پا به ماه است و... ». اما دریغ! همه می خواهند کمک کنند پروازها تاخیر دارند. انگار همه و همه دست به دست هم می دهند تا زمانی به عزیزانت برسی که بچه ات را همسایه ها به بیمارستان رسانده اند، همسرت فارغ شده و پدرت را فقط صورت قبری باقیست. و تو باز هم دیر رسیده ای چقدر می خواهید به کسی پول بدهید که جبران این ها باشد؟ چند نفر از پرسنل کارگاهی باید حین عملیات عمرانی یا بهره برداری در اثر انفجار، آتش سوزی یا نشت گازهای سمی جانوران سمی گرد و غبار و اقامت در شهرهای محروم صدمه روحی و جسمی ببینند و گاهن با صدمات غیرقابل جبران ناپذیری همراه گردد.

مگر چقدر این فشار ها را می توان تحمل کرد؟

ما به راحتی وارد این صنعت عمرانی نشده ایم، آزمونها، مصاحبه ها، چکاپ های پزشکی، ارزشیابی های مداوم و آموزشهای متعدد را گذرانده ایم. ما هم فرزندان همین کشوریم. اندکی آن طرف تر حافظ منافع ملی در سرزمین های مادری و آبهای نیلگون خلیج همیشه فارس. با ما مهربان تر باشید.

درود بر کارکنان لباس سراسر خیس عرق بر تن، گرد خاک و دوده بر چهره نشسته، آنها که بالا و پایین شدن فشار ها و دما ها و جریان ها، هم بالا و پایین رفتن فشار خون، نفس هایشان شده است. خسته نباشید. برقرار باشید تا مملکت مان بر قرار بماند.

مبادا کنایه ها و کمی حقوق دل سردتان کند. بالاخره روزگار به شما نیز لبخند خواهد زد. روزی فرزندان مان قدرمان را خواهند دانست. به ایشان ایراد نگیرید، زیاد پدر بالای سرشان نبوده است. همسر عزیزم، همچون گذشته به حمایت های تو نیازمندم

درود بر کارکنان اقماری و کارگاهی در شمال و جنوب، شرق و غرب، درود بر خانواده های صبور شما

کازیم عاشقی نین خاطره لری

خاطره ای جدید

من در تبریز مشغولم. تراشکاری کار میکنم. بیشتر در دنده زنی فعالیم. یک روز قرار بود با گروه گوهوردی قالاچای به ساوالان بریم. چند روز جلوتر برنامه ریزی کرده بودیم. اتوبوس و وسایل و...

با شرکتی کار میکنیم مهندس آمد. گفت عاشقی یک گیربکس طرح جدید فرستادند باید شنبه تحویل بدیم. خیلی خیلی واجبه. ببینم چکار میکنی. قطعات و نقشه ها را گذاشت و رفت. من هرچقدر به دوستان گفتم کاری پیش آمده من نمی تونم. گفتند: «بابا اگه تو نباشی نمی شه عده ای بخاطر تو میان. خیلی بد میشه»

من دیدم همیشه. زنگ زدم به مهندس. گفتیم: «آقا مهندس داداشم تو راه تهران تصادف کرده اند، میرویم اونجا. نمی دونم چه شده» دروغ را طوری گفتم از راست راست تر بود. ایشان هم ناراحت شدند. گفتند: «بیزیم الیمیزدن نه گلیر پول زاد لازیمدی دی» (از دست ما چی برمیاد؟ پول لازم هست؟)

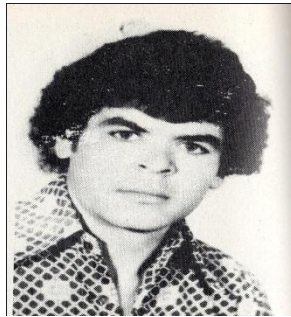
گفتم: «نه دستتان درد نکنه حالا بریم ببینیم. اگر لازم شد میگم» باخیال راحت رفتیم ساوالان. در ساوالان هم چند گروه آمده بودند. در پناهگاه همه جمع شده بودند، منم نی می زدم شعر می خواندم.

دیدم یک نفر دستش را گذاشت رو شانه ام. گفت: «قارداشون نجه دی ؟؟؟؟» (داداشت چطوره ؟؟؟؟) نگو آنها هم اونجا بودند. حالا در کشور هزاران دروغ می گویند کسی متوجه نمی شه، ما یکی گفتیم در بلندترین نقطه آذربایجان پوخو چیخدی (گندش در اومد)

کازیم عاشقی

جنبش سندیکایی و چهره‌های آن

جنبش کارگری ایران نقش و جایگاهی برجسته در تاریخ معاصر میهن ما دارد. پیوندی گسست ناپذیر میان مبارزه نفس‌گیر جنبش کارگری و روند رشد و تحول جامعه ایران در یک صد سال گذشته برقرار بوده‌است. پرچم این مبارزه غرورآفرین و در عین حال پررنج و خونین را مبارزان فداکار بنام و گمنامی برافراشته نگه داشته‌اند که سیمای ارجمند آنان و مبارزات‌شان کمتر شناخته شده‌است. نشریه پیام سندیکا برای بازشناختن نام این مبارزان و سنت‌های ریشه‌دار انقلابی جنبش کارگری-سندیکایی زحمتکشان کوشیده و می‌کوشد با انتشار نام‌های نازدودنی، در حد امکان و توان خود غبار فراموشی ناشی از سلطه استبداد و فراموشی را زدوده و چهره‌های قهرمان و فداکار را به نسل نو مبارزان سندیکایی و جوانان این مرز و بوم باز شناساند.



ابراهیم فدایی مبارز جوان و فداکار جنبش کارگری میهن ما

انقلاب بهمن ۵۷ نسل نو مبارزان را به صف‌های جنبش انقلابی مردم ایران کشاند و شمار بسیاری از جوانان طبقه و لایه‌های اجتماعی زحمتکش را به سنگر پیکار برای رهایی میهن از سلطه استبداد، امپریالیسم و برقراری استقلال ملی، آزادی و عدالت اجتماعی را برگزیدند.

یکی از این جوانان میهن‌پرست و انقلابی که از میان توده‌های محروم جامعه برخاسته‌بود، رفیق کارگر ابراهیم فدایی است. او در سال ۱۳۳۷ در شهر نجف‌آباد در خانواده‌ای زحمتکش و محروم متولد شد. هنوز نوجوان بود که برای کمک به معاش خانواده به‌کار در کارگاه‌های مختلف در شهر زادگاه خود مشغول شد و سپس "در جستجوی نان از این شهر به آن شهر رفت". در کارگاه‌های خیاطی، بافندگی، تاسیسات، آهنگری در شهرهای نجف‌آباد، اصفهان، همایون‌شهر، کرج و تهران به کار پرداخت. روح و اندیشه این جوان که خود از خانواده‌ای محروم پا به عرصه حیات گذارده‌بود، در تماس با محیط کار و وضعیت زندگی زحمتکشان به‌شدت دگرگون شد. فقر، ستم و استثمار افسارگسیخته در کارگاه‌های مختلف ذهن جستجوگر او را به اندیشه وا می‌داشت. در یکی از کارگاه‌های تولیدی پیش از انقلاب با مبارزان قدیمی سندیکایی آشنا شد. این آشنایی سرآغاز رشد و تحول فکری و اجتماعی او به مثابه یک کارگر جوان بود. ابراهیم فدایی الفبای نخستین مبارزه را از این پیشکسوتان فراگرفت. او ضمن کار در کارگاه‌های مختلف از جمله تاسیسات همراه با دیگر زحمتکشان به صورت فعال در انقلاب بهمن شرکت جست. اعتصاب‌های کارگری که سرانجام کمر رژیم شاه را در هم شکست، مکتب مبارزه و آموزش برای این کارگر جوان بود. با پیروزی انقلاب ابتدا در شوراها و سندیکاهای کارگری فعال شد. سندیکا نخستین پله مبارزه اجتماعی و بستر ورود او به مبارزه پیگیر کارگری بود.

در تمام طول سال‌های ۵۸ و ۵۹ با تمام شور و توان در جنبش سندیکایی به مثابه جوانی پرکار شرکت داشت. وی فعالیت خود را در قالب تجمع شوراها و سندیکاهای کارگری اوایل انقلاب که سپس به انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و حومه پیوست. هنگامی که در نهم فرودین ماه ۱۳۵۸ به ابتکار این تجمع سندیکایی طرح ۱۰ ماده‌ای کارگران راه و ساختمان و تاسیسات در خصوص میزان وام، حق بیمه بیکاری، حق تشکل یابی، میزان دستمزد و سایر موضوعات کارگری انتشار یافت، ابراهیم فدایی

از پیگیرترین کارگران جوان در تبلیغ، ترویج و توزیع این طرح بود. وی در تبلیغ حضوری و دیدار با کارگران کارگاه‌های تاسیسات، بافندگی و بلورسازی و دبازی در راه احیا و تشکیل سندیکاها در این مراکز کارگری بسیار فعال بود.

در تاریخ ۲۴ خرداد ماه ۱۳۵۸ لایحه قانونی شورای انقلاب راجع به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی، صنعتی، تجاری و کشاورزی تصویب و منتشر شد؛ تبلیغ و توضیح دیدگاه و تحلیل تجمع سازمان‌های سندیکایی کارگری در این زمینه از دیگر فعالیت‌های ابراهیم فدایی به عنوان یک کارگر جوان فعال بود که با حضور در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی و صحبت مستقیم با کارگران به انجام می‌رساند.

با کوشش‌ها و رهنمودهایی که در اثر مبارزه فعالین سندیکایی و فعالیت خستگی ناپذیر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری، اکثریت غریب به اتفاق تشکل‌های کارگری موجود آن زمان در تاریخ ۹ مردادماه سال ۱۳۵۹ اعلام داشتند، **قانون کار باید با نظر کارگران تصویب شود.**

پیش از آن در دیماه ۱۳۵۸ متن پیشنهادی طرح قانون کار را که می‌باید منافع کارگران را تامین کند، تحت نام: «درباره قانون جدید کار که باید تدوین شود»، در نشریه کارگری اتحاد انتشار داده شده بود. این طرح موارد مختلفی را در بر می‌گرفت مانند: «قراردادهای دست جمعی، کلیه کارگران بدون هیچ استثنا و صرف‌نظر از تعداد شاغلان کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مشمول قانون کار قرارگیرند و از مزایای آن استفاده کنند - قانون کار باید جامع باشد و همه کارگران اعم از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمان، خدمات و غیره دربرگیرد - شناختن حق تشکل یابی کارگران - ضرورت فدراسیون سرتاسری کارگری - حقوق سندیکایی کارگران شناخته‌شود و موانعی که در این راه وجود دارد از میان برداشته‌شود - اخراج کارگران منحصرن زیر نظر سندیکاها قرارگیرد و در صورت اخراج، شغل جدید به کارگر واگذار شود - حق اعتصاب از حقوق مسلم طبقه کارگر شناخته‌شود و کارگران حق

داشته باشند برای دفاع از حقوق صنفی خود از حربه اعتصاب علیه کارفرما و دولت استفاده نمایند - حق کارگران به تحصن و تظاهرات شناخته‌شود - محل شغلی زنان کارگر در دوران استراحت قبل و بعد از زایمان محفوظ بماند و کارفرما حق اخراج او را نداشته‌باشد - برای کلیه کارگران اعم از موقت و دایم بیمه درمانی برگزار شود، بیمه مورد استفاده کلیه کارگران و اعضای خانواده آنان قرارگیرد - مستمری بازنشستگی معادل آخرین دریافتی کارگر اعم از دستمزد و مزایا باشد - در صورت از کار افتادگی، حقوق کامل بازنشستگی به کارگر پرداخت شود - زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند»

در این مقطع زمانی با فعالیت شبانه‌روزی مبارزان سندیکایی، انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و حومه تقویت می‌شد و مقدمات تشکیل آن در شهرهای تبریز و آبادان فراهم می‌آمد. ابراهیم فدایی با همه توان و نیروی جوانی خود در این تجمع سندیکایی فعال بود. بخش مهمی از تبلیغات و نشر دیدگاه‌های انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و حومه به ویژه در خصوص حذف ماده ۳۳ قانون کار شاهنشاهی که اخراج کارگران را به اراده کارفرمایان واگذار می‌کرد، توسط ابراهیم فدایی و کارگران و فعالان جوان نظیر او انجام می‌شد.

در ۹ تیرماه ۱۳۵۹ لایحه قانونی راجع به تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و هنری تدوین شد. این لایحه و مضمون آن با مخالفت و انتقاد سندیکاهای کارگری روبرو گردید، زیرا حقوق سندیکایی را محدود و شوراها و انجمن‌های اسلامی را جایگزین سازمان سندیکایی می‌ساخت و در عین حال لطمه‌ایی بود به آرمان‌های انقلاب بهمین با هدایت و درایت انجمن همبستگی و سندیکاهای کارگری موجود آن زمان به مخالفت با محدود شدن حقوق سندیکایی زحمتکشان پرداختند و سپس در ادامه این مبارزه با طرح قانون کار ارتجاعی، مشهور به قانون کار توکلی، به

مبارزه جانانه برخاستند. ابراهیم فدایی در این دوران از فعال‌ترین کارگران جوان بود. انجمن همبستگی و دیگر تشکل‌های کارگری اعلام می‌داشتند که هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جانشین تشکل صنفی - سندیکایی شود. در این زمینه و در دفاع از حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان کشور اعلام شد: « تجربه نشان داده‌است که هیچ تشکل دیگری نه تشکل شورایی نه تشکل‌های سیاسی - عقیدتی، مانند انجمن‌های اسلامی - نمی‌تواند جایگزین تشکل صنفی - سندیکایی کارگران و زحمتکشان شود. آنها که به ایجاد انجمن‌های اسلامی در میان کارگران به منظور مسایل عقیدتی - مذهبی علاقه دارند، در فعالیت خود آزادند، ولی باید دانست که این تشکل نمی‌تواند جانشین تشکل صنفی - سندیکایی کارگران گردد » اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

نیروهای عقب مانده با توسل به قدرت دولتی و تدوین برنامه‌های ضدکارگری مانع از تشکل‌یابی و دسترسی زحمتکشان به حقوق سندیکایی خود بودند. در همین دوران باندهایی به سرکردگی افرادی مانند علی ربیعی، علیرضا محبوب، دانشمند، حسین کمالی، صادقی و غیره نقش مخرب علیه سندیکاها و انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری ایفا می‌کردند. چماق‌داری، یورش به مراکز سندیکایی و تعقیب و بازداشت کارگران و سندیکالیست‌ها از دیگر اقدام‌های عقب مانده‌های فکری بود.

ابراهیم فدایی از کارگران جوان فعال در سندیکاها بود که نظرات سندیکایی رابه میان زحمتکشان می‌برد. حضور در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به ویژه در میان سندیکاهای کارگری تاسیسات و دباغی‌ها، از او چهره‌ای مورد اعتماد کارگران پدید آورده‌بود. با آغاز جنگ و تجاوز صدام به خاک میهن ما، ابراهیم فدایی راهی جبهه‌ها شد. جنگ در مرحله نخست خود تا آزادسازی خرمشهر خصلت میهنی داشت. رفیق کارگر ابراهیم فدایی این کارگر قهرمان روز اول آذرماه ۱۳۶۰ در عملیات بستان به شهادت رسید. نام رفیق کارگر ابراهیم فدایی با غرور و افتخار در سینه تاریخ ثبت شده‌است. راهش پر رهرو باد.

اتحاد و مبارزه شرط پیروزی است!

پایان مذاکرات در راه آهن آلمان و کوتاه شدن ساعت کاری



اعتصاب رانندگان قطار آلمان

کارگران و زحمتکشان ما درگیر مبارزه‌ای حاد برای تأمین امنیت شغلی و احیای حقوق سندیکایی خود هستند. در این مبارزه آشنایی با تجربیات برادران و خواهران زحمتکش خود در سراسر جهان از اهمیت اساسی برخوردار است.

گزارشی را که پیش‌رو دارید، تجربه‌ای ارزشمند از مبارزات کارگران راه آهن و حمل و نقل آلمان در سال جاری است. این تجربه می‌تواند برای کارگران و مبارزان جنبش سندیکایی مفید و آموزنده باشد. متن این گزارش را در زیر با هم می‌خوانیم:

در دسامبر سال ۲۰۱۶ مذاکره برای تعیین حقوق حدود ۱۰۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان این صنعت برای سال ۲۰۱۷ به پایان رسید و سندیکای کارگران راه آهن و حمل و نقل آلمان توانست بیشتر از ۵ درصد از ۷ درصد درخواست شده را به تصویب برساند که ۲،۵ درصد از این مقدار متعلق به افزایش دستمزدها است و از اول ماه آوریل ۲۰۱۷ قابلیت اجرایی خواهد داشت. در این مذاکرات این تفاهم به عمل آمد که کارگران و کارکنان این صنعت می‌توانند از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ از میان سه گزینه پیشنهادی به دلخواه خود یکی را انتخاب کنند؛ کارگران می‌توانند مابین ۲،۶ درصد افزایش دستمزد و شش روز بیشتر مرخصی در سال و یا یک ساعت کار کمتر در هفته یکی را انتخاب کنند. همچنین این امکان برای کارگران وجود دارد تا در فاصله‌های منظمی گزینه‌های خود را نیز تغییر بدهند. علاوه بر اینها بسیاری از مزایای دیگر مانند مرخصی استعلاجی برای کارگران بالای ۵۹ سال و پرداخت ۵۵۰ یورو برای یکبار و تا ماه آوریل در نظر گرفته شده است. همچنین کارفرما موظف است در صورت جایگزین ساختن دستگاه‌های دیجیتالی و یا ارتقا سطح تخصص کارگران، دستمزدها را افزایش بدهد.

سندیکای کارگران راه آهن و حمل و نقل آلمان برنامه زمان بندی شده خود را به سندیکای کارفرماها اعلام کرد و به سندیکای کارفرماها کاملاً شفاف توضیح داده شد که آنها موظف هستند در جهت تضمین و تامین امنیت شغلی کارگران تلاش بکنند و از هرگونه اقدامی که منجر به نابودی شغلی شود ممانعت به عمل بیآورند.

آخرین مذاکرات و تفاهمات پس از اعتراضات هماهنگ و منسجم کارگران عملی گردید. در نشست اخیر دبیر جدید سندیکا، یعنی آقای تورستن وست فال که مسئولیت اعتصابات اخیر را به عهده گرفته است نیز شرکت داشته است. این انتخاب و حضور جدید دبیر سندیکا، جدی بودن خواسته‌ها و مبارزه کارگران را نشان می‌دهد. آنچه که از این مذاکرات حاصل می‌شود، این است که پیشبرد مذاکرات و دستیابی به خواسته‌هایی که مورد نظر کارگران بوده است، فقط با فشار سندیکا حاصل گردیده است و می‌توان متقابلاً به خواسته‌های دیگری نائل شد و یا از هجوم به منافع کارگران جلوگیری به عمل آورد.

هدف شرکت راه آهن آلمان این بود که بسیاری از بخش‌ها را که با راه آهن همکاری دارند از گردونه مذاکرات جدا سازد، زمان را برای مذاکرات بعدی طولانی تر نماید و امکان استفاده از کوتاه شدن ساعت کاری را فقط برای اندکی از کارکنان فراهم سازد. این مسئله دقیقاً خط قرمز سندیکا محسوب می‌شود و سندیکا به کارفرما اجازه عبور از این خط را نمی‌دهد.

در روز تصویب قرار داد، هزاران نفر از کارگران و کارکنان با تظاهرات وسیع در سطح کشور اعتراض خود را علیه اخراج کارگران و از بین بردن فرصت‌های شغلی اعلام کردند و خواستار اقداماتی از طرف کارفرمایان در جهت تامین و تضمین امنیت شغلی شدند. در این رابطه خواست برحق کاهش ساعت کار صحیح‌ترین مطالبه از طرف کارگران در جهت تضمین امنیت شغلی است.

شفاف‌ترین پیام در این عرصه را شصت نفر از فعالین سندیکایی به سمع و نظر دیگر زحمتکشان رساندند، این فعالین داوطلبانه و با تهیه فیلم، کارزار مبارزاتی کارگران را در یوتیوب به نمایش گذاشته‌اند. در اعتراض به هرگونه تخفیف و یا ترحم در حق کارگران، شعار رسای کارگران این است: **کارگران با اتحاد عمل به همه چیز خواهند رسید.**

در پایان باید به این مطلب نیز اشاره کرد، مذاکرات زمانی جدیت پیدا کرد که مذاکرات برای افزایش حقوق با سندیکای لوکوموتیورانان در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۶ به نتایج مطلوب و مورد نظر کارگران رسید. ضمن اینکه سندیکای لوکوموتیورانان موظف گردید تا از هرگونه اقدامی که امنیت شغلی کارگران را به خطر می‌اندازد جلوگیری نماید.

برگرفته از روزنامه عصر ما در سایت آلمانی زبان د- کا- پ

ترجمه از : پرویز کوشا فر

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۲۵- الف) هرکس حق دارد از سطح يك زندگانی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده اش، منجمله خوراک و لباس مسکن و رسیدگی های پزشکی آنان را تامین کند. همچنین حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری و بیماری و درمانده گی و بیوه گی و پیری یا در سایر مواردی که بنا به اوضاع و احوالی بیرون از اراده او، وسایل معاش وی مختل گردد استفاده کند.

ب) مادر بودن و فرزند بودن، استفاده از کمک و مساعدت مخصوص را ایجاب می کند. هر کودک خواه حاصل زناشویی قانونی باشد یا غیرقانونی، از حمایت اجتماعی برابر برخوردار می گردد.



۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

روز جهانی زن که درگذشته روز جهانی زنان کارگر نامیده می‌شد، بزرگداشتی است که هر ساله در روز ۸ مارس برگزار می‌شود. این روز، روز بزرگ برپایی جشن‌هایی برای زنان در سراسر جهان است. بسته به مناطق مختلف، تمرکز جشن بر بزرگداشت، قدردانی، عشق به زن و برگزاری جشنی برای دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان است. گل میموزا سمبل این روز است.

هشتم مارس سال ۱۹۰۸ میلادی کارگران زن کارخانه نساجی کتان دست به اعتصاب زدند، صاحب این کارخانه به همراه نگهبانان بخاطر جلوگیری از همبستگی کارگران بخش‌های دیگر با اعتصاب‌گران و عدم سرایت آن به بخش‌های دیگر، این زنان را در محل کارشان محبوس ساخت و بعداً به دلایل نامعلوم کارخانه آتش گرفت و فقط تعداد کمی از زنان توانستند از این حادثه نجات یابند و مابقی ۱۲۹ تن از زنان کارگر در این آتش سوختند.

به همین دلیل روز هشتم مارس بطور سنتی بنام روز مبارزه زنان علیه بی عدالتی و فشار علیه زنان در خاطره‌ها باقی ماند. در سال‌های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و امریکا مبارزه زنان به شکل تظاهرات و اعتصاب کاری علیه فشار، تبعیض و همینطور برای داشتن حقوق برابر در اجتماع ادامه پیدا کرد.

اولین مراسم روز زن در تاریخ ۲۸ فوریه سال ۱۹۰۹ در نیویورک برگزار شد. این مراسم توسط حزب سوسیالیست آمریکا، برای یادبود اعتصاب «اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک» در سال ۱۹۰۸ سازمان یافت.

در ۱۹۱۷ تظاهراتی تحت عنوان روز جهانی زن در سنت پترزبورگ در آخرین پنجشنبه فوریه (مصادف با ۸ مارس در گاه‌شماری میلادی) برپا شد

که سرآغاز انقلاب فوریه بود. در این روز، زنان در سنت پترزبورگ برای «نان و صلح» در اعتصابات شرکت کردند و خواستار پایان دادن به جنگ جهانی اول، کمبود مواد غذایی روسیه و حکومت استبدادی مطلقه شدند. لئون تروتسکی می‌نویسد: «۲۳ فوریه (۸ مارس) روز جهانی زن بود و جلسات و اقدامات پیش بینی شده بود ولی ما تصور نمی‌کردیم که این روز زن، انقلاب به پا می‌کند. اقدامات انقلابی پیش بینی می‌شدند اما زمان آنها مشخص نبود. برخلاف دستورها، کارگران نساجی در چندین کارخانه کارشان را رها کرده و نمایندگانشان را برای حمایت از تظاهرات فرستادند... که منجر به اعتصاب توده‌ها شد... همه به خیابان‌ها ریختند.»

در غرب، روز جهانی زنان اولین بار بعد از سال ۱۹۷۷ در تاریخ مجمع عمومی سازمان ملل دول عضو را دعوت کرد تا روز ۸ مارس را به عنوان روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح جهانی بنامند

شرایط کاری سخت و غیرانسانی با دستمزد کم کارگران زن در اوایل قرن بیستم که همراه با مردان در کشور های صنعتی وارد کارخانه ها و بازار کاری شده بودند آنان را وادار به مبارزه علیه این بی عدالتی به شکل سازمان یافته و منظم نمود. در این روز کارگران نساجی زن در يك کارخانه بزرگ پوشاک برای اعتراض علیه شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادی شان دست به اعتصاب زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران کارخانه نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی از این شرایط برای زنان کارگرا دامه داشت.

یکی از مهمترین مدافعان حقوق زنان در آلمان خانم کلارا زتکین (۱۸۵۷-۱۹۳۳) خواسته های مبارزان زن در آلمان را مبنی بر هشت ساعت کار در روز، تعطیلات ویژه در ایام زایمان و سایر حقوق طبق قانون را تقاضا کرد.



۸ مارس روز جهانی زن خجسته باد!

جنبش زنان میهن ما، در مقام یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار در جنبش مردمی، برای نیل به عدالت اجتماعی، آزادی، تساوی حقوق زنان و تأمین استقلال و حاکمیت ملی، به‌گواه تجربه‌های بارز شش سالیان اخیر، می‌باید در راستای سازماندهی زنان کشور- به‌ویژه زنان لایه‌های محروم و زحمتکش- اقدام و حرکت کند. حضور این زنان، یعنی زنان متعلق به توده‌های محروم جامعه، توانایی جنبش زنان برای دستیابی به حقوق راستین و انکارناپذیر زنان برای تساوی اجتماعی در همه عرصه‌ها بدون استثنا، را افزایش می‌دهد و محفل‌های تاریک‌اندیش و قشری را به عقب‌نشینی وادار می‌کند.

سندیکاهای کارگری همگام با زنان کارگر و کوشندگان حقوق زنان از حقوق شهروندی و حقوقی که قانون اساسی به مردم داده است حمایت می‌کنند.

کارگران سندیکایی می دانند که بدون مبارزه همدوش با زنان برای رفع هرگونه نابرابری موفق نخواهند بود. زنان مبارز ایران به درستی می دانند که برای محو خشونت علیه زنان و ریشه های آن، آگاهی رسانی به مردان و زنان- به خصوص زنان کارگر، کارمند و زنان سرپرست خانوار- در گام نخست سازمان دهی مبارزه‌یی متحد علیه برنامه‌های که هرچه بیشتر خشونت دولتی را در عرصه کار رواج می دهند اولین گام برای موفقیت در بهبود وضعیت معیشت خانواده است.

گام دوم رواج عنصر آگاهی در جامعه با هدف زدودن انواع خشونت‌ها، از جمله خشونت ضد زنان، در میهن خشونت زده ما است. این امر با مبارزه در راه بهبود وضعیت اقتصادی خانواده های کارگری و کارمندی پیوندی مستقیم دارد .

فقط با اتحاد هم‌هنگ سندیکاهای کارگری می توان دستمزدها را افزایش منطقی داد و قدرت خرید خانواده های کارگری را بیشتر کرد تا زنان کمتر در معرض خشونت های خانگی قرار گیرند.

دستمزد مناسب با ۸ ساعت کار و تامین کننده نیازهای یک خانواده ۴ نفره از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است.

۸ مارس روز همبستگی با جنبش زنان است. مادران ، خواهران ، دختران، و همسرانمان را در این راه یاری می کنیم.

هیچ جنبشی بدون حضور زنان موفق و پیشگام و مترقی نمی تواند باشد. لذا خواهان حضور گسترده تر زنان در سندیکاهای کارگری هستیم.

۸ مارس بر مادران، همسران، دختران، و خواهرنمان

شادباش باد!



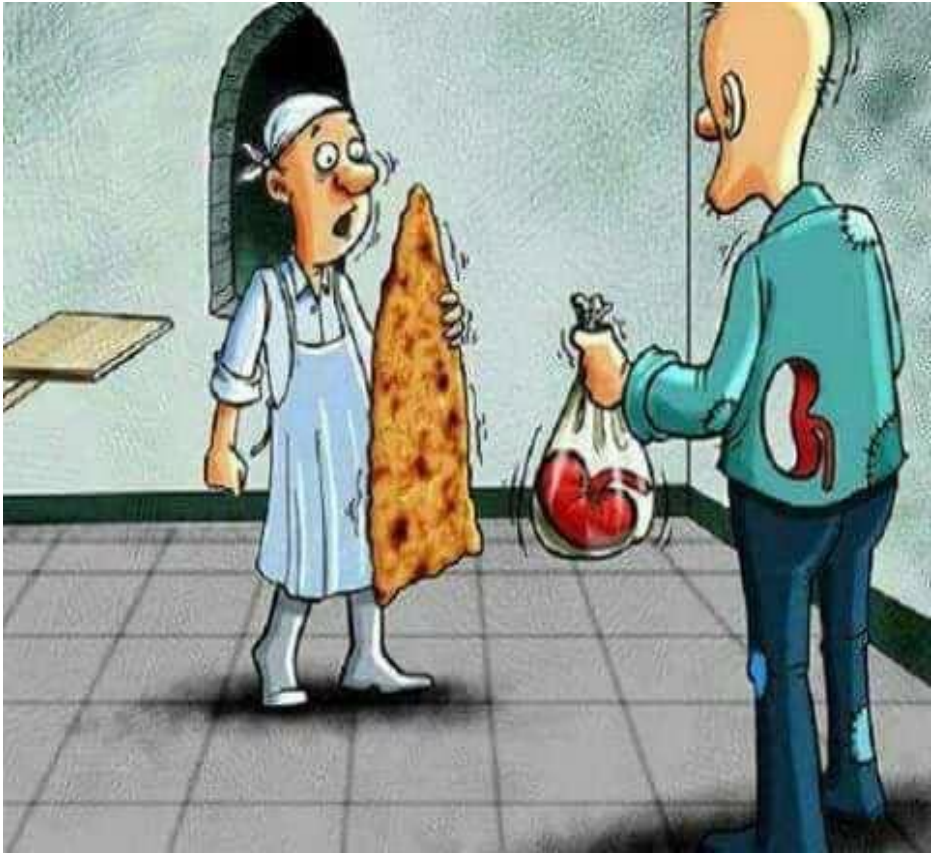
این زن در زاهدان راننده اتوبوس است. همه نوع مسافری را سوار می‌کند، از جمله آیت‌الله سلیمانی و مولوی عبدالحمید و مدیران استانی سیستان و بلوچستان و شورای شهر زاهدان را.

۱۷ سال پیش پشت وانت بار نشست تا زندگی شش فرزندش را اداره کند. بعد گواهینامه پایه یک را گرفت و اولین راننده «تاکسی بانوان» زاهدان شد. بیشتر راننده سرویس‌هایی برای بانوان است اما مسافران مرد را هم سوار می‌کند.

آگاهی زنان آگاهی نسل فردا

سرپرست خانوارهای زن در ایران به دوازده درصد از خانوارهای ایرانی رسیده است. این زنان کارگر هستند و متحد کارگران مرد. اینان منافع و خواسته های مشترک دارند. در کارهای ثابت در کارگاه ها و کارخانجات هم حضور دارند و از نیروی کار خودشان امرار معاش می کنند. دارای فرزند و یا فرزندان هستند که در دامن خود به پرورش آنان مشغولند. گاهی از شوهر از پا افتاده خود و مادر بزرگ و پدر بزرگ هم نگهداری می کنند. اینان کارگرانی هستند که در صورت دستیابی به آموزش و آگاهی انقلابی خود به نسلی آبدیده تبدیل می گردند. نسلی از کارگران پیشرو هستند که می توانند جامعه را علمی مورد برخورد قرار دهند. نسلی که از این سرپرست خانوارها پرورش می یابند دارای آگاهی طبقاتی هستند چرا که در بطن جامعه رشد می کنند و می توانند شرایط اجتماعی خود را به شکلی واقعی تحلیل کنند. راز و رمز مبارزه کارگران جهت یک زندگی انسانی همانا آموزش و آگاهی است. این قشر دوازده درصدی می توانند و باید تاثیر خود را بر جامعه کارگری بگذارند. باید به حقوق و خواسته های خود جامعه عمل بپوشانند. باید از راه های سخت در اجتماع مردسالار عبور کنند و در برابر حق و حقوق خود پایدار باشند و در برابر سو استفاده های خشونت های جنسی در برابر مردان از خود دفاع کنند. و این همه انسانی را پرورش می دهند که می تواند در راستای انسان دوستی و مبارزه برای دنیایی بدور از نابرابری ما را نوید دهند. یکی از راهکارهای رسیدن زنان سرپرست خانوارها دارا بودن تشکل است تا به شکلی سیستماتیک به آگاهی و پرورش دست بیابند. این قشر از اجتماع چون دیگر قشرهای دیگر جامعه باید در تشکل های خاص خود برای رشد و شکوفایی و رسیدن به خواسته هایشان متشکل شوند.

شباهنگ کارگر



از پول کارگری ریالی نمانده بود؛
چرا که خرج بخور و نمیرشان کرده بود
و بی جهت سوسو میزد تا بتواند از پلکان زندگی بالاتر برود،
افسوس که ته جیبهایش ،
نشانی از اسکناسهای سبز و سرخ دیده نمیشد

(واریتارن)

پرواز با کاپیتان شمس



میهماندار پرواز: از طرف شرکت هواپیمایی آسمان، خلبان شهرزاد شمس، سرمهماندار آقای فرتاش و سایر کارکنان این پرواز ورود شما را به هواپیمای جت فوکر ۱۰۰ خوش آمد میگوییم.

شماره پرواز ۲۴۴۵ و مقصد ما تهران میباشد. مدت زمان این پرواز تا فرودگاه مهرآباد ۱ ساعت و ۱۰ دقیقه تعیین شده است و تا ارتفاع ۳۳ هزار پا از سطح دریا پرواز خواهیم کرد...

بعد از خواندن اناناس میهماندار سکوتی مطلق کابین هواپیما را در برگرفت...

سکوتی تلفیق از ترس و هیجان و اضطراب!!!!..... صدای پیچ مسافران سکوت را شکست.... خلبان خانم شهرزاد شمس؟؟؟؟؟؟!!!!!!!

همه از شنیدن نام خلبان پرواز تعجب کرده بودند!!!!!! عده ای می خندیدند از شوق.... و اندکی هم با چشمانی بهت زده به یکدیگر نگاه می کردند.

غول آهنی آماده دستور برج مراقبت برای تیک آف بود.... نه راه پس داشتند نه راه پیش کسانی که کاپیتان شهرزاد شمس را باور نداشتند!!!!.....

۲۰ سال است بواسطه شغل ام مسافرت هوایی جزیی از زندگی ام شده است. صدها بار پرواز. اما بدون اغراق پرواز ۲۴۴۵ با کاپیتان شهرزاد شمس اولین بانوی خلبان پس از انقلاب راحتترین و عالیترین پروازی بود که در عمرم تجربه کرده بودم وقتی اربابه های این غول آهنی اسفالت باند مهرآباد را لمس کرد.

همه ۱۰۹ مسافر به افتخار کاپیتان شمس و پرواز بی نظیر این بانوی ایرانی.... ایستاده دست می زدند □ ♥ ...

من از زناتی حرف میزنم که نامشان معادل معجزه است...

من از فروغ ها... از سیمین ها... از پروین ها ... از شهرزاد ها حرف میزنم ... از تمام آنهایی که خریدار " ترس " نبودند!!!... از آنهایی که چو کوه ایستادند... و نشان دادند زن بودن، بالاتر از معجزه است!!!....

زنانه که خود را باور دارند و می دانند که اگر تصمیم بگیرند قادر به انجام هر کاره هستند... دارای یک زیبایی درونی می باشند. در توانایی و عزم یک زن که مسیرش را بدون تسلیم شدن در برابر موانع طے میکند، شکوه و زیبایی وجود دارد. در زنی که اعتماد به نفسش از تجربه ها نشأت میگیرد، و میداند که میتواند به زمین بخورد ، خود را بلند کند و ادامه دهد ، زیبایی وجود دارد.

آسمان فرصت پرواز بلند است ولی....

قصه این است چه اندازه کبوتر باشی... تموم شد رفت...

♥ □ متشکرم بانو کاپیتان شمس □ ♥



لیلای کوهستان



« در نهایت این تجربه‌ی من نشون داد که می‌شه از همه‌ی محدودیت‌ها عبور کرد. و هر کسی می‌تونه تا سقف توانایی‌های خودش پرواز کنه... و هر زن ایرانی هم با همه‌ی محدودیت‌ها و مشکلاتی که داره می‌تونه کارهای بزرگ انجام بده.....»

جوزپه پمپلی کوهنورد ایتالیائی که به همراه فابریزیو و سامونل هنگام برگشت از قله گاشربروم ۲ شاهد حادثه تلخ سقوط لیلیا اسفندیاری بود در ستایش او در مجله ورزشی دراسکار دو اینطور می نویسد:

« او یک زن زیبای ایرانی بود ، تصمیم گرفته بود که صعود کند حتی به تنهایی و در مقابل همه چیز ، بر علیه بروکراسی حاکم بر کشورش که جایگاهی برای کوهنوردان مستقل قایل نیست علی الخصوص وقتی که فدراسیون قدرتمندی در رأس باشد. تابستان گذشته در ۲۰۰۲ که من گفتم که مجبور شده آپارتمانش در تهران را بفروشد و مجددا با خانواده اش زندگی کند فقط برای اینکه به آرزویش جامه عمل بپوشاند و به آن اکسپدیشن پرهزینه بپیوندد، متأسفانه هیچیک از ما سال گذشته موفق به صعود نشد و امسال لیلیا بر روی

گاشربروم ۲ تلاش کرد. نمی دانم و ممکن که عامل اصلی سقوط او را هرگز ندانیم، ناخوشی غیر مترقبه، رهائی کارگاه، خستگی، ... ولی من فکر می کنم که چندان مهم نباشد که پی به عامل اصلی ببریم، چیزی که مهم است فقدان یک شخص است، یک دوست که تاهمین دیروز با ما بود، حالا هیچ چیز باقی نمانده جز خاطره ای برای کسانی که او را دوست داشتند. غمگین می شوم که می بینم تنها زنی که بر گاشربروم ۲ تلاش کرد از میان ما رفت، در میان اینهمه کوهنورد مغرور، لایلا تنها کسی بود که شایستگی آنرا داشت. باشد که سرآغازی باشد بر آزادی زنان سرزمین او»

همان جا که وصیت کرده بود اگر افتادم، بگذارید بمانم. می خواهم «بام جهان» آرامگاه ابدی ام باشد. زنی که به خاطر انجام یک مصاحبه بدون روسری، محبوبیتی نزد مقامات ورزش ایران و فدراسیون کوهنوردی نداشت. آن ها که موفقیت های بین المللی ورزشکاران ایرانی را مصادره می کنند، در تمام این سال ها رغبتی به پوشش اخبار بانوی بی نظیر کوهنوردی ایران نداشتند. جستجویی در خبرگزاری های دولتی و آرشیو و سایت فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران، گواه این موضوع است.

جایی که حتی خبر صعودهای تفریحی و دسته جمعی به «اشترانکوه» نیز شرح داده شده اما درباره تنهایی لیلای ایران در کمپ ۲ K و در میان تیم های مجهز کوهنوردی اتریش، ایتالیا، آمریکا و کره جنوبی، چیزی نوشته نشده است!

در فیلمی که به تازگی از تلاش لایلا برای صعود به «کی دو» پخش شده نشان میدهد زن تنهای ایرانی در پاکستان، جایی که تیم های اروپایی، آمریکایی و آسیایی با تجهیزات و تدارکات کامل آمده اند؛ دوربین را به روی گام های نخستش بر ارتفاعات کی دو گرفته و نفس نفس زنان می گوید: «وقتی که شروع کردم کوله پشتی نداشتم. کفش و کیف کوهنوردی را قرض می گرفتم و لباس کوهنوردی را از تاناکورا (اجناس بنجل و دست چنم) خریدم»



